

آقا سید یعقوب در این ماده با صاحب امتیاز حق میبدهیم حتی از قسمتهای غیر منتخبه قطعات چهار گانه هر گونه اینبه و تاسیسات بقواعد بنا کنند و در اینجا خود کمیسیون این عبارت را اضافه کرده است که اومیبوند بشرط عدم ممانعت از اجرای حقوق صاحبان امتیاز دیگر یک یا کلیه اینبه و مؤسسات فوق الذکر را در ایالت گیلان همچنین در قسمتی از قطعات چهار گانه که جزو اراضی منتخبه نباشد دایر و برقرار نماید باستانی حق حفر چاه و استخراج نفت این صحیح است ولی باضافه بنده پیش نهاد کردم که اگر در یک قطعه زمین خارج از قطعات منتخبه نفت هم باشد و صاحب امتیاز بخواهد در آنجا هم مؤسساتی بنا کند به اعتبار اینکه حق تاسیس بنا باو داده شده چون دولت میتواند امتیاز آن قطعه را بدیگری بدهد و او ممکن است پرود در آنجا پنجاه سال بنا و مؤسسه داشته باشد و مانع از امتیاز و استخراج نفت در آن قسمت بشود.

بنده پیشنهاد کردم اگر در آن قطعه نقطی باشد آن مؤسسه یا بنای مانع امتیاز یا استخراج آن نفت باشد.

وزیر امور خارجه - مقصود آقای آقا سید یعقوب همین ماده تأمین شده زیرا مینویسد مخصوصاً مقرر میشود که صاحب امتیاز حق خواهد داشت در تمام مدت امتیاز بشرط عدم ممانعت از اجرای حقوق صاحبان امتیاز دیگر این یک عبارت کلی است که خیلی چیزها را میسرساند من جمله مقصود آقای آقا سید یعقوب را.

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب را قابل توجه می دانند قیام فرمایند.

(عده قبلی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد.

پیش نهاد آقای مدرس (شرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در قسمت ب تبصره بعد از رضایت دولت لفظ موقتاً علاوه شود. مدرس معادل دوسه سطر را با آن اصلاحی که بنده کرده ام بخوانند تا آقایان ملتفت نشوند.

(به ترتیب ذیل خوانده شد)

وصل کردن خطوط تلفن و تلگرافی که در این ماده به آن اشاره شده است بخطوط رسمی دولت فقط بموجب اجازه و رضایت دولت ممکن است بعمل آید.

مخبر - چون قبول اصلاح آقای مدرس اشکالی ندارد و برای اینکه میخوام وقت صرف نشود قبول میکنم لفظ موقتاً بعد از ممکن است اضافه شود.

(اصلاح دیگر آقای مدرس)

شرح ذیل قرائت شد

پیشنهاد میکنم در آخر ثانیا بعد از تهیه شده باشد لفظ بعد از سه ماه علاوه شود.

مدرس - در این قسمت هم بی خدمت دوسه سطر را بخوانند تا آقایان ملتفت شوند.

(آقای میرزا شهاب الدین بضمون ذیل قرائت نمودند)

ثانیا اگر صاحب امتیاز بخواهد بنا هائی تأسیس نماید که تحت الارض یا از کنار کوچهها و معابر و شوسهها و راه آهن ها و خطوط تراموی و مجاری میاه عبور نماید خلاصه خسارتش را بدهد در اینجا پیش بینی شده که اگر در لوله کش خسارتی بکوچهها و معابر عمومی وارد شود جبران کند بنده پیشنهاد کردم که اگر از لوله کش یا از بناهای خسارت باملاک خصوص مردم وارد شود باز عهده بر آید و جبران خسارت را بکند.

مخبر - این بدیهی است زیرا در ماده قبل در قسمت های دیگر قید شده که اگر خساراتی باملاک خصوصی مردم وارد آید جبران کنند و محتاج بدیگریست شریعتمدار - تا کیدش ضروری ندارد

رئیس - آقایانی که پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد.

پیشنهاد آقای مستمدا سلطنه (بضمون آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در سطر ۱۳ صفا ۱۹ ماده ۱۸ بعد از ذکر سنه ۱۹۰۱ و سنه ۱۹۰۲ مسیعی سنه شمسی هم که (۱۲۸۰) و (۱۳۸۱) باشد تعیین وقید نمایند.

مخبر - کمیسیون این را قبول میکنند

رئیس - رأی میگیریم بنده.

مخبر - یک اصلاح دیگری در این جا علاوه بر لفظ موقته و اصلاح آقای مستمدا سلطنه هست و آن این است که در صفا ۲۱ اشاره شده بماده ۱۶ ماده ۱۶ را باید ماده ۱۷ کرد.

رئیس - رأی گرفته میشود بنده

مخبر - بنده در اینجا لزومی برای تعدید وقت نمی بینم زیرا این یک عملی است که در تأخیر آن صرفه برای طرف مقابل فرض نمیشود که ماورا ملزم کنیم و محدود بوقت باشد چون این بناهایی است که برای منافع و رفح حوالج خودش میکند در این صورت چه لزومی دارد اگر تخلف کند گرفتار هواقی که در تخلفات تعهدات برای او مقرر اخط میشود و اگر تخلف نکند که این قید از روی ندارد.

بنده دلیلی برایش نمی بینم و تقاضا میکنم یا آقای مدرس پس بگیرند یا منوط برای مجلس فرمایند.

رئیس - من اصراری ندارم.

رئیس - پس گرفته شد؟

مدرس - بلی.

رئیس - پیشنهاد آقای دامغانی قرائت میشود.

(باین ترتیب قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در صفا ۲۰ در سطر ۱۰ بعد از بنای ضمیمه شود

اگر لوله کشی باملاک مردم نیز خسارتی وارد کرد خسارت صاحبان املاک را جبره کند.

شریعتمدار دامغانی - اینجا در ثانیا نوشته که صاحب امتیاز بخواهد بناهایی تأسیس نماید که تحت الارض یا از کنار کوچهها و معابر و شوسهها و راه آهن ها و خطوط تراموی و مجاری میاه عبور نماید خلاصه خسارتش را بدهد در اینجا پیش بینی شده که اگر در لوله کش خسارتی بکوچهها و معابر عمومی وارد شود جبران کند بنده پیشنهاد کردم که اگر از لوله کش یا از بناهای خسارت باملاک خصوص مردم وارد شود باز عهده بر آید و جبران خسارت را بکند.

مخبر - این بدیهی است زیرا در ماده قبل در قسمت های دیگر قید شده که اگر خساراتی باملاک خصوصی مردم وارد آید جبران کنند و محتاج بدیگریست شریعتمدار - تا کیدش ضروری ندارد

رئیس - آقایانی که پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد.

پیشنهاد آقای مستمدا سلطنه (بضمون آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در سطر ۱۳ صفا ۱۹ ماده ۱۸ بعد از ذکر سنه ۱۹۰۱ و سنه ۱۹۰۲ مسیعی سنه شمسی هم که (۱۲۸۰) و (۱۳۸۱) باشد تعیین وقید نمایند.

مخبر - کمیسیون این را قبول میکنند

رئیس - رأی میگیریم بنده.

مخبر - یک اصلاح دیگری در این جا علاوه بر لفظ موقته و اصلاح آقای مستمدا سلطنه هست و آن این است که در صفا ۲۱ اشاره شده بماده ۱۶ ماده ۱۶ را باید ماده ۱۷ کرد.

رئیس - رأی گرفته میشود بنده

مخبر - بنده در اینجا لزومی برای تعدید وقت نمی بینم زیرا این یک عملی است که در تأخیر آن صرفه برای طرف مقابل فرض نمیشود که ماورا ملزم کنیم و محدود بوقت باشد چون این بناهایی است که برای منافع و رفح حوالج خودش میکند در این صورت چه لزومی دارد اگر تخلف کند گرفتار هواقی که در تخلفات تعهدات برای او مقرر اخط میشود و اگر تخلف نکند که این قید از روی ندارد.

بنده دلیلی برایش نمی بینم و تقاضا میکنم یا آقای مدرس پس بگیرند یا منوط برای مجلس فرمایند.

رئیس - من اصراری ندارم.

رئیس - پس گرفته شد؟

مدرس - بلی.

رئیس - پیشنهاد آقای دامغانی قرائت میشود.

(باین ترتیب قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در صفا ۲۰ در سطر ۱۰ بعد از بنای ضمیمه شود

حاج میرزا عبدالوهاب - چون در آن وقت این ماده خوانده نشده بود ایرادی که بنده کردم راجع باین ماده است در این جا میگویم صاحب امتیاز کلیه حقوق ارضی و اموال غیر منقول خود را بدولت ایران واگذار خواهد نمود.

(جمعی از نمایندگان - این ماده گفشت)

حاج میرزا عبدالوهاب - این ماده مطرح است یا ماده دیگری؟

رئیس - همین ماده است.

حاج میرزا عبدالوهاب - چون یکی میگوید گفشت یکی میگوید نگفشت در اینجا دارد صاحب امتیاز کلیه حقوق ارضی و اموال غیر منقول خود را به دولت ایران واگذار خواهد نمود.

ولی به استثناء کرده تمام اسباب و اثاثیه او را زیرا ممکن است غیر منقول را هم منقول کند.

مثلا تیر و آجر را برداشته و بگوید منقول است بنا بر این بنده این را مضر میدانم و عهده دارم حق نقل اموال غیر منقوله را نباید داشته باشد.

وزیر امور خارجه - در اصلاح قانونی و حقوقی اموال منقول و غیر منقول مشخص است البته اکثر اموال غیر منقول یک وقتی منقول بوده یا وقتی میتواند منقول شود مثلا آجر را تا وقتی که کار نگرفته اند منقول است و اما وقتی کار کردند غیر منقول بنده هم ممکن است منقول شود

حالا اگر در جینی که مدت این امتیاز مقتضی میشود یک مقدار آجر حاضر کار نکرده داشته باشد ما نمیتوانیم آنرا مانع شویم ولی وقتی که در بنه است آن وقت احوق ندارد و غیر منقول است اگر بفرمایند که ممکن است یکسال قبلش ماه قبل آنرا را خراب کند و اموال را منقول کند این چاره ندارد اما این عبارت که اینجا مینویسد ساختمان های قابل حمل شاید توهم از اینجا پیدا است این ساختمان های قابل حمل مثل اثاثیه هائی است از جین که شاید بقدر ثلث این تالار است زمین یک بنای قابل حمل است و قباز مسئله خانه و عمارت است که خراب کنند و حملش میکنند در و پنجره هم که فرمودید بنظر نیست در و پنجره مادام که در بنا کار گذاشته شده و بنایب شده غیر منقول است و این جمله چه نصب شده چه نصب نشده که در این ماده نوشته شده از قبیل لوله و تاقن و اسباب تلفن است که اینها چه در حال نصب و چه غیر حال نصب منقول حساب میشود و میتواند ببرد.

رئیس - آقای مشاور اعظم مشاور اعظم - بنده موافقم

رئیس - آقای تدین

تدین - موافقم اما توضیحی که آقای وزیر امور خارجه دادند صحیح نبود.

رئیس - آقای اشگر (اجازه)

اشگر - در قسمت اول ماده بیستم یک عبارتی دارد که بنده تصور میکنم یک چیزی حذف و بیاید چیزی اضافه نوشته شده بعد از انتضاء مدت امتیاز کلیه اینبه و مهمی که هست اجازه داده می شود حقالیه ماشین آلات و اثاثیه و مصالح و ذخائر اثاثیه را چه نصب شده باشد چه نصب نشده باشد سطح الارض و تحت الارض تمام این ها را ممکن است حمل و نقل بکنند بدون آنکه کسی حق داشته باشد متعرض بشود در این قسمت ثانی ماده بیستم بکلی ناقص قسمت اول آنست.

در یک قسمت می باشد و در یک قسمت پس می گیرد در یک قسمت اشیا متعلقه به کیانی متعلق بدولت می باشد و در یک قسمت حق دارد همه را ببرد اینکه معنی ندارد یا باید قسمت اول را قائل شد و گفت کیانی بعد از آنکه مدت امتیازش منقضی شده مؤسسات اوبانی باشد که بعد هم دولت یا مملکت بتوانند استفاده کنند و آلات و ادوات بجای خود باشد یا باید قائل شد که بعد از تمام شدن مدت امتیاز هر چه اموال و غیره دارد بر آید و بر دولا این دو قسمت با هم متناقض است.

رئیس - آقای مشاور اعظم (اجازه)

مشاور اعظم - در قسمت اول ماده بطوری که آقایان ملاحظه فرمایند بیخوبی تصریح شده که بعد از پنجاه سال کیانی هر چه اینجا دارد بدولت تعلق پیدا میکند و بعد گفته اند در صورتی که صاحب امتیاز در ظرف دوازده سال از تصویب آن در مجلس دست از استفاده این امتیاز بردارد (یعنی از نمایندگان - عبارت محصل بهم است)

اشگر - این بنده است خیرش چیست؟ و در این صورت فسخ و بلائذ خواهد بود؟

رئیس - شما چرا سؤال و جواب میکنید؟

اشگر - بنده هرایش خودم را عرض میکنم آقایان نمیکند دارند.

رئیس - شما حرفتان را بزنید بعد جواب میدهند.

اشگر - اینجا یک قسمتی است که بنده از مخبر محترم توضیح می خواهم در قسمت ثانی یک چیزهایی نوشته شده که قسمت اول را بکلی نسخ و فسخ می کند نوشته شده است صاحب امتیاز کلیه حقوق ارضی و اموال غیر منقول خود را بدولت ایران واگذار خواهد نمود ولی حق خواهد داشت کلیه یا قسمتی از ساختمانهای قابل حمل و مصالح و اشیا و اثاثیه و ذخایر و اثاثیه منقوله اینجا یک عبارتی است که بنده نمی توانم بفهمم در یک و تول و کی زینک معنیش را هم نمی فهمم و غیره و ابزارها ماشین آلات و سایر اموال منقوله که در ایران برای استفاده از این امتیاز دارا است چه نصب شده و چه نصب نشده باشد سطح الارض و تحت الارض از ایران خارج کرده یا به مرض فروش برساند و دولت ایران حق نخواهد

داشت مانع شده و یا مالیات و عوارض بهیچ اسم و رسم از این بابت مطالبه نماید

اگر موضوعی که در این قسمت آخر استثناء شده بود منحصر بآجر بود سکه شراب کند و ببرد اهیتی نداشت ولی چیز مهمی که هست اجازه داده می شود حقالیه ماشین آلات و اثاثیه و مصالح و ذخائر اثاثیه را چه نصب شده باشد چه نصب نشده باشد سطح الارض و تحت الارض تمام این ها را ممکن است حمل و نقل بکنند بدون آنکه کسی حق داشته باشد متعرض بشود در این قسمت ثانی ماده بیستم بکلی ناقص قسمت اول آنست.

در یک قسمت می باشد و در یک قسمت پس می گیرد در یک قسمت اشیا متعلقه به کیانی متعلق بدولت می باشد و در یک قسمت حق دارد همه را ببرد اینکه معنی ندارد یا باید قسمت اول را قائل شد و گفت کیانی بعد از آنکه مدت امتیازش منقضی شده مؤسسات اوبانی باشد که بعد هم دولت یا مملکت بتوانند استفاده کنند و آلات و ادوات بجای خود باشد یا باید قائل شد که بعد از تمام شدن مدت امتیاز هر چه اموال و غیره دارد بر آید و بر دولا این دو قسمت با هم متناقض است.

رئیس - آقای مشاور اعظم (اجازه)

مشاور اعظم - در قسمت اول ماده بطوری که آقایان ملاحظه فرمایند بیخوبی تصریح شده که بعد از پنجاه سال کیانی هر چه اینجا دارد بدولت تعلق پیدا میکند و بعد گفته اند در صورتی که صاحب امتیاز در ظرف دوازده سال از تصویب آن در مجلس دست از استفاده این امتیاز بردارد (یعنی از نمایندگان - عبارت محصل بهم است)

اشگر - این بنده است خیرش چیست؟ و در این صورت فسخ و بلائذ خواهد بود؟

رئیس - شما چرا سؤال و جواب میکنید؟

اشگر - بنده هرایش خودم را عرض میکنم آقایان نمیکند دارند.

رئیس - شما حرفتان را بزنید بعد جواب میدهند.

اشگر - اینجا یک قسمتی است که بنده از مخبر محترم توضیح می خواهم در قسمت ثانی یک چیزهایی نوشته شده که قسمت اول را بکلی نسخ و فسخ می کند نوشته شده است صاحب امتیاز کلیه حقوق ارضی و اموال غیر منقول خود را بدولت ایران واگذار خواهد نمود ولی حق خواهد داشت کلیه یا قسمتی از ساختمانهای قابل حمل و مصالح و اشیا و اثاثیه و ذخایر و اثاثیه منقوله اینجا یک عبارتی است که بنده نمی توانم بفهمم در یک و تول و کی زینک معنیش را هم نمی فهمم و غیره و ابزارها ماشین آلات و سایر اموال منقوله که در ایران برای استفاده از این امتیاز دارا است چه نصب شده و چه نصب نشده باشد سطح الارض و تحت الارض از ایران خارج کرده یا به مرض فروش برساند و دولت ایران حق نخواهد

مشاور اعظم - آن وقت مقصود این است که اگر در ظرف دوازده سال از عملش منصرف شد می تواند آن اشیا را که قابل نقل است ببرد و گمان نمی کنم ایرادی داشته باشیم که پس از دوازده سال اگر کارهایش را تمام نکرد و نتواند اسباب و اثاثیه را ببرد.

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود (پیشنهاد آقای وکیل الملک بضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم تبصره بنده ۳۰ ضمیمه شود.

تبصره - اگر بعد از انتضاء مدت امتیاز دولت احتیاج باثاثیه و ذخایر و مصالح و اثاثیه منقوله و ماشین آلات و سایر لوازم پیدا کرد کیانی اشیا فوق را بقیمت عادلانه بدولت واگذار خواهد کرد

وکیل الملک - در اینجا معلوم است که اگر بعد از انتضاء مدت باشد کلیه اثاثیه خود را بدولت واگذار میکند ولی اگر در ظرف دوازده سال خواست پروا داشته غیر منقول خود را بدولت واگذار میکند و ماشین آلات و ذقار و لوازم خود را حق دارد ببرد.

در اینجا شاید ما احتیاج به آن اثاثیه پیدا کنیم چون ممکن است هم تعقیب صلیبات کیانی بواسطه نبودن نفت نباشد مثلا در صورت اختلافات حاصله دست بردارد و بدینصورت ما اطمینان داشته باشیم که نفت خواهد بود آنوقت چیزی ندارد که دولت حق داشته باشد این اثاثیه و لوازم را از حکمیانی ببرد.

رئیس - آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد اصلاح پیشنهادی آقای اشگر.

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم عبارت (و در این صورت) از سطر هفتم حذف و بر اول سطر هشتم اضافه شود

اشگر - بنده خیلی متأسفم که این امتیاز نامه بطوری از فرانسه ترجمه شده که درست معانی که باید از آن استفاده شود نمی شود

این جمله و در این صورت امتیاز فسخ و بلائذ خواهد بود زائد است زیرا آنطوری که آقای مشاور اعظم جواب دادند اگر بخواهیم آن موضوع استفاده بشود باید جمله و در این صورت امتیاز فسخ و بلائذ خواهد بود حذف شود آن وقت اینطور مستفاد می شود که اگر دوازده سال شد بتواند ببرد و اگر نشد نتواند ببرد

مخبر - با توضیحاتی که آقای وزیر امور خارجه دادند گمان میکنم اشکال رفع شود این جمله و در این صورت امتیاز فسخ و بلائذ خواهد بود باید در بین الهالین نوشته شود حالا بنده میخوام

در صورتی که صاحب امتیاز در ظرف دوازده سال از تصویب آن در مجلس دست از استفاده این امتیاز بردارد ( و در این صورت امتیاز فسخ و بلائذ خواهد بود) صاحب امتیاز کلیه حقوق ارضی و اموال غیر منقول خود را بدولت ایران واگذار خواهد نمود.

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (دوسه نفر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد

پیش نهاد آقای سردار معظم هم در واقع رد شد.

سردار معظم چه طور؟

رئیس - مگر پیشنهادی که کرده اید همین نبود

سردار معظم - نمیدانم این پیشنهاد ما یک اصلاحات عبارتی است و من از آقای مخبر تمجب میکنم چرا در عبارتی که از کمیسیون بیرون آمده آن قدر جوهرت میکنند و اصرار دارند که حتما اصلاحات رد شود عبارت در اینجا معنی را که مقصود است نمی پروراند.

مخبر - بخوانند پیشنهاد ایشان را به بنیم

( پیشنهاد آقای سردار معظم بترتیب ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که قبل از تصویب امتیاز در صفا ۲۲ (واو) یادراین صورت اضافه شود

رئیس - این همان است که رد شد

وزیر امور خارجه بنده قدری کار را آسان میکنم (واو) را تبدیل بر (که) کند اشکال رفع می شود سکه در این صورت امتیاز فسخ و بلائذ خواهد بود

سردار معظم - اول باید فهمید مقصود چیست بعد عبارت را اصلاح کرد مقصود این است که اگر پس از دوازده سال امتیاز بی اثر ماند باید اموال غیر منقول خود را بدولت واگذار کند اینجا میگوید ولیکن در صورتیکه صاحب امتیاز در ظرف دوازده سال از تصویب آن در مجلس دست از استفاده این امتیاز بردارد و در این صورت امتیاز فسخ و بلائذ خواهد بود معاد مینشود.

مخبر - اینطور نیست

سردار معظم - پس اگر اینطور نیست ما و شما که باین امتیاز نامه وصل نکردند چرا اصلاح عبارتی را نمی پذیرید

عبارت فارسی امتیاز نامه را طوری باید نوشت که در ستان هم اگر کسی بخواهد بفهمد

مخبر - بنده از پیشنهاد آقای سردار معظم که قرائت شد استفاده که مربوط به این فرمایشاتشان باشم نمی کنم پس خوب است پیشنهاد را واضح تر بطریقی که مطلب مفهوم شود

مفهوم شود .  
 سرکار معظم . بنده پیشنهاد کرده ام  
 یا او قبل از صاحب امتیاز اضافه شود با در  
 این صورت .  
 رئیس . یک اشتباه دیگر هم کرده  
 که بی اجازه حرف زدند . رأی میگیریم به  
 پیشنهاد ایشان  
 قدین . بنده هم یک پیشنهادی کرده ام  
 شبیه پیشنهاد ایشان است  
 رئیس . رأی میگیریم  
 سرکار معظم . بنده تقاضای تجزیه  
 میکنم اول به او بده بقتل بصرای گرفته  
 شود .  
 رئیس . پیشنهادتان اضافه و او است یا  
 اضافه (در این صورت)  
 سرکار معظم . بنده مخیر کرده ام  
 آقای مخیر را با او را قبول کنند یا (در این  
 صورت را)  
 رئیس . ایشان پیشنهاد میکنند در  
 سطر هشتم قبل از صاحب امتیاز حرف و او  
 اضافه شود .  
**وزیر امور خارجه .** باین ترتیب  
 معنی تغییر میکنند بنده استدعا میکنم از  
 آقایان بین المللیان را همان طور که عرض  
 کردم اضافه کنند و بعد عبارت را بخوانند  
 اگر مطلب واضح و روشن نشد آن وقت  
 پیشنهاد کنند  
 رئیس . رأی میگیریم پیشنهاد آقای  
 سردار معظم یعنی حرف و او در سطر هشتم قبل  
 از صاحب امتیاز اضافه شود آقایانیکه آن را  
 قابل توجه میدانند قیام بفرمایند .  
 (عده قلیبی قیام نمودند)  
 رئیس . قابل توجه نشد .  
 مخیر . یک تذکره کردی داده شده است که  
 معنی تغییر میکنند و شاید رفع تردید بعضی  
 آقایان هم بشود .  
 دو سطر پنجم بعد از اینکه جمله اولی  
 ختم شد و به جمله ثانوی شروع کردیم عرض  
 اینکه بنویسیم صاحب امتیاز در ظرف  
 دوازده سال این در صورتیکه را چنانچه  
 بکنیم حالانته مادرا از اول میخوانم .  
 بعد از انقضای مدت امتیاز کلیه ائینه  
 که در آن موقع باقی باشد و راهها همچین  
 مصالح و ماشین آلات وسایر اموال متعلقه به  
 امتیاز در ایران به انضمام اراضی که طرف  
 استفاده در تصرف صاحب امتیاز باشد بدولت  
 ایران تعلق خواهد یافت بدون اینکه صاحب  
 امتیاز از این باب حق تقاضای جبرانی از  
 دولت داشته باشد این تمام شد و لیکن در  
 صورتیکه صاحب امتیاز در ظرف دوازده سال  
 از تصویب آن در مجلس دست از استفاده  
 این امتیاز بردارد و در این صورت امتیاز  
 فسخ و بلا اثر خواهد بود صاحب امتیاز کلیه  
 حقوق ارضی و اموال غیر منقول خود را  
 بدولت ایران واگذار خواهد نمود .  
 ایچیا ملاحظه بفرمائید اگر جلو  
 صاحب امتیاز و او یا با بگذاردیم بگلی معنی

را تغییر میدهد ولی اگر (در صورتیکه) را  
 (چنانچه) بکنیم شاید از نقطه نظر سوق  
 عبارت قدری بهتر باشد .  
 (پیشنهاد آقای حائری زاده  
 بضمون ذیل قرائت شد)  
 حائری زاده پیشنهاد میکند در صفحه  
 ۲۲ سطر ۱۱ بعد از جمله (فروش برساند)  
 عبارت ذیل اضافه شود (به انبیا ایران)  
 رئیس . این باشد اول این یکی را  
 قرائت کنیم .  
 (پیشنهاد آقای شیخ المراقین  
 زاده شرح ذیل خوانده شد)  
 بنده پیشنهاد میکنم که جمله (صاحب  
 امتیاز) از اول سطر هشتم حذف شود .  
 رئیس . بفرمائید .  
 شیخ المراقین زاده . اینجا اظهار شد  
 که اگر جمله در این صورت امتیاز فسخ  
 و بلا اثر خواهد بود آن ترین اثر باشد اگر ما  
 جمله صاحب امتیاز را حذف کنیم در سطر  
 هشت عبارت این میشود .  
 ولیکن در صورتیکه صاحب امتیاز در  
 ظرف دوازده سال از تصویب آن در مجلس  
 دست از استفاده این امتیاز بردارد کلیه  
 حقوق ارضی و اموال منقول و غیر منقول خود  
 را بدولت ایران خواهد پرداخت .  
 مخیر . این اصلاح را بنده قبول  
 میکنم .  
 (پیشنهاد آقای مشار اعظم شرح  
 ذیل قرائت شد)  
 بنده پیشنهاد میکنم . و در این صورت  
 از قبل از جمله امتیاز فسخ و بلا اثر خواهد  
 بود برداشته شود و دو جلو عبارت صاحب  
 امتیاز کلیه حقوق ارضی الی آخر  
 گذارده شود .  
 رئیس . این در شده است .  
 مشار اعظم . اصلاح آقای شیخ المراقین  
 زاده بنده واقف گرد .  
 رئیس . پیشنهاد آقای قائم مقام  
 قائم مقام . بنده بی سی گیرم .  
 رئیس . پیشنهاد آقای شریعت مدار  
 (بضمون ذیل قرائت شد)  
 بنده پیشنهاد میکنم بصره باده ۲۰  
 ضمیمه شود بصره منقول عبارت از ماشین  
 آلات و ادوات میکانیکی است .  
 شریعت مدار . در تفکیک معنی منقول از  
 غیر منقول چون از توضیح آقای وزیر بنده  
 قانع نشدم عرض میکنم منقول را بدو معنی  
 میتوان گرفت یا معنی لغوی است که میشود  
 بر همه چیز اطلاق کرد حتی خاک و سقف  
 و زمین را میشود منقول گفت چون میشود او  
 را تجزیه کرد . یا معنی اصطلاحی است  
 آن هم منبایش حرف است عرف هم تغییر  
 میکند ممکن است یک معنی را بعضی منقول  
 بگویند و در یک عرفی غیر منقول لذا بنده  
 پیشنهاد کردم که اصطلاحی منقول تفکیک  
 از غیر منقول شود در ضمن بصره اضافه میشود  
 و گفته میشود ماشین آلات و ادوات و غیره  
 جزو منقول است و بقیه غیر منقول .

رئیس . آقایانیکه این ماده را قابل  
 توجه میدانند قیام فرمایند .  
 (و سه سطر قیام کردند)  
 رئیس . قابل توجه نشد .  
 پیشنهاد آقای کلارونی بضمون  
 ذیل قرائت شد  
 بنده پیشنهاد میکنم که در صورتی  
 صاحب امتیاز بتواند بعضی از اثار و اموال  
 منقول را از ایران خارج نماید که ترک  
 استفاده گیمانی مترون بدلیل موجبی باشد  
 که گیمانی را مجبور به ترک استفاده  
 کند .  
 کلارونی . اجازه بفرمائید .  
 رئیس . بفرمائید .  
 کلارونی . بوجوب این امتیاز در  
 صورتیکه صاحب امتیاز تمام مقدماتی که  
 لازم شود به عمل آورد و نفت هم به قدر  
 کفایت تجارت موجود بود بعد از دوازده سال  
 گواهی که ما به همیم چه دلیل و جهت داشت که  
 یک دهنه ترک استفاده کرد با چه حادته رخ  
 داد که بعد از دوازده سال صاحب امتیاز  
 ترک استفاده کرد اینطور نشان میدهد که  
 شاید یک قضایائی پیش آمد کرد که ما نمی  
 توانیم امروز پیش بینی کنیم و ترک این  
 استفاده شاید بعد از دوازده سال بضرر ما  
 باشد در صورتیکه این طور شد بنده نمیتوانم  
 چه دلیل دارم این ماشین آلات و اموال  
 منقوله را ببرد .  
 در صورتیکه نفت بقدر کفایت بود و  
 هیچ دلیل موجبی هم نداشت و بخودی خود  
 رها کرد البته باید اموال منقوله که آورده  
 مال ما باشد برای اینکه بی جهت ترک استفاده  
 کرده ولی اگر یک دلیل موجبی داشت که  
 من به فلان دلیل منقول باید ترک استفاده  
 که در این صورت باید حق داشته باشد اموال  
 منقوله را ببرد بنابراین بنده پیشنهاد کردم  
 که اگر صلاح دانند این طور که بنده پیش  
 نهاد کرده ام عبارت را اصلاح کنند .  
 رئیس . اگر آقایان این پیشنهاد را  
 قابل توجه می دانند قیام فرمائید .  
 پنج سطر نفر برخاستند  
 رئیس . قابل توجه نشد . پیشنهاد  
 آقای حائری زاده .  
 شرح ذیل قرائت شد  
 حائری زاده پیشنهاد میکند  
 در صفحه ۲۲ سطر ۱۴ بعد از جمله  
 فروش برساند عبارت ذیل اضافه شود با انبیا  
 ایران  
 رئیس . آقای حائری زاده .  
 (اجازه)  
 حائری زاده . برای رفع این معظوری  
 که آقای کلارونی فرمودند چون بگیمانی  
 اجازه داده ایم که بعد از دوازده سال اگر  
 خواست این امتیاز را ترک کند بدون دلیل  
 صرف نظر بکنند و در این جا نوشته ایم که  
 ماشین آلات و ملزومات هر چه مدار حکم کند  
 یا در داخله فروشد حال آنکه میگویم نفت به  
 قدر کفایت بیداشد و گیمانی صلاح و صرفه

خود را اینطور دانست که این امتیاز را فسخ  
 کند و ماشین آلاتیکه دارد اینها را بیکبار از  
 انبیا خارجه فروخت آن وقت ممکن است با  
 این ترتیب یک اشکالات و معظوراتی در  
 فروش اشیاء و ماشین آلات برای ما تولید  
 کند ولی در صورتیکه با انبیا ایران بفروشد  
 تولید اشکالی نخواهد کرد لذا ما پیشنهاد  
 کردیم که اگر بخواهد اموال را بفروشد  
 حتماً باید با انبیا داخله فروشد خوب است  
 این گله انبیا داخله بماند .  
 رئیس . آقایانیکه اصلاح آقای  
 حائری زاده را قابل توجه می دانند قیام  
 فرمائید .  
 کلارونی . اجازه بفرمائید .  
 رئیس . بفرمائید .  
 کلارونی . بوجوب این امتیاز در  
 صورتیکه صاحب امتیاز تمام مقدماتی که  
 لازم شود به عمل آورد و نفت هم به قدر  
 کفایت تجارت موجود بود بعد از دوازده سال  
 گواهی که ما به همیم چه دلیل و جهت داشت که  
 یک دهنه ترک استفاده کرد با چه حادته رخ  
 داد که بعد از دوازده سال صاحب امتیاز  
 ترک استفاده کرد اینطور نشان میدهد که  
 شاید یک قضایائی پیش آمد کرد که ما نمی  
 توانیم امروز پیش بینی کنیم و ترک این  
 استفاده شاید بعد از دوازده سال بضرر ما  
 باشد در صورتیکه این طور شد بنده نمیتوانم  
 چه دلیل دارم این ماشین آلات و اموال  
 منقوله را ببرد .  
 در صورتیکه نفت بقدر کفایت بود و  
 هیچ دلیل موجبی هم نداشت و بخودی خود  
 رها کرد البته باید اموال منقوله که آورده  
 مال ما باشد برای اینکه بی جهت ترک استفاده  
 کرده ولی اگر یک دلیل موجبی داشت که  
 من به فلان دلیل منقول باید ترک استفاده  
 که در این صورت باید حق داشته باشد اموال  
 منقوله را ببرد بنابراین بنده پیشنهاد کردم  
 که اگر صلاح دانند این طور که بنده پیش  
 نهاد کرده ام عبارت را اصلاح کنند .  
 رئیس . اگر آقایان این پیشنهاد را  
 قابل توجه می دانند قیام فرمائید .  
 پنج سطر نفر برخاستند  
 رئیس . قابل توجه نشد . پیشنهاد  
 آقای حائری زاده .  
 شرح ذیل قرائت شد  
 حائری زاده پیشنهاد میکند  
 در صفحه ۲۲ سطر ۱۴ بعد از جمله  
 فروش برساند عبارت ذیل اضافه شود با انبیا  
 ایران  
 رئیس . آقای حائری زاده .  
 (اجازه)  
 حائری زاده . برای رفع این معظوری  
 که آقای کلارونی فرمودند چون بگیمانی  
 اجازه داده ایم که بعد از دوازده سال اگر  
 خواست این امتیاز را ترک کند بدون دلیل  
 صرف نظر بکنند و در این جا نوشته ایم که  
 ماشین آلات و ملزومات هر چه مدار حکم کند  
 یا در داخله فروشد حال آنکه میگویم نفت به  
 قدر کفایت بیداشد و گیمانی صلاح و صرفه

بنده تقاضای کنم این ماده بیست دو قسمت  
 شود این قسمت اوایل تا اولکن  
 حالا ماده بیست شود و برای گرفته شود و  
 قسمت ثانوی که راجع به بعد از دوازده سال  
 است این موکول شود که آقایان در  
 کمیسیون مراجعه نمایند مجدداً باین مجلس  
 بیاید .  
 رئیس . مخالفی ندارد ؟  
 شیروانی . بنده پیشنهادی کرده ام  
 رئیس . پیشنهاد حذف کرده اید  
 قدری مشکل است .  
 شیروانی . بنده پیشنهاد کرده ام از  
 کله و لیکن حذف شود .  
 رئیس . اگر عقیده بعطف دارید در  
 موافقی که از اولکن به بعد مطرح است در  
 آن موقع اشخاص که قابل بعطفند رأی  
 نمی دهند .  
 شیروانی . بنده یک توضیحی دارم  
 رئیس . بفرمائید .  
 شیروانی . این قسمت ثانوی اساساً  
 مخالف با ماده ده قانون است . برای اینکه  
 اختیار با داده نشده که بتواند پس از مدت  
 دوازده سال یا تا پنج سال هر وقت دلش  
 خواست فسخ کند  
 رئیس . این قسمت بعد از (ولکن)  
 است بدم مطرح میشود .  
 مخیر . اینطوریکه آقا فرمودند  
 نیست بعد در موقع توضیح عرض میکنم  
 رئیس . دیگر مخالفی نیست در قسمت  
 اول ؟  
 (اظهاری نشد)  
 رئیس . رأی میگیریم بقتل اول از  
 ماده بیست تا اولکن آقایانی که تصویب  
 می نمایند قیام فرمایند  
 قالب نمایندگان قیام نمودند  
 رئیس . تصویب شد .  
 ماده بیست دو . نسبت باده بیست و  
 دو مخالفی هست ؟  
 سهام السلطان . بنده در دستور عرضی  
 دارم .  
 رئیس . بفرمائید  
 سهام السلطان . چون قسمت یک  
 دوازدهم برج سرطان را روز قبل جزو  
 دستور قرار  
 دادند و حالا هم ظهر شده و یک قسمت از ماده  
 را آقای مخیر قرار گذاردند در کمیسیون  
 مذاکره کنند و در ایورت دهند بنده پیش  
 نهاد می کنم آن یک دوازدهم را مطرح کنند  
 و امروز رأی در این باب گرفته شود و بقیه  
 مذاکرات راجع به امتیاز فقط بماند برای  
 جلسه دیگر  
 رئیس . ماده بیست دوم را که مطرح  
 کردم برای این بود که دیدم مختصر است و  
 قابل اشکال نخواهد بود نسبت به پیشنهاد آقای  
 سهام السلطان مخالفی نیست  
 (بعضی از نمایندگان - غیر)  
 رئیس . و ایورت کمیسیون بودجه

راجع بصره که در جلسه قبل پیشنهاد شده  
 بود قرائت میشود  
 (بضمون ذیل قرائت شد)  
 کمیسیون بودجه بصره پیشنهادی  
 آقای نظام الملک را در جلسه ۱۲ اسفند  
 مذاکره قرارداد و بادر نظر گرفتن مراحل  
 وزارت امور خارجه بصره ذیل را با اصلاحی  
 که شده جهت تصویب تقدیم مجلس شورای  
 ملی مینماید  
 تبصره - حقوق مأمورین خارجه که  
 مشمول قانون مصوب شانزدهم حمل ۱۳۰۹  
 هستند و هنوز در مقام خود باقی می باشند از  
 بابت یک دوازدهم فوق الذکر باید توقیف  
 شود .  
 مخیر کمیسیون عداد السلطنه  
 رئیس . رأی میگیریم باده واحد . . .  
 حائری زاده . بنده در کلیات عرض  
 دارم  
 رئیس . ماده واحد کلیات ندارد  
 وقتی که چند ماده داشته باشد کلیات دارد  
 رأی میگیریم باده واحد به ضمیمه تبصره  
 آقایانی که تصویب می کنند ورقه سفید  
 سواهنداد  
 قائم مقام تبریزی . بنده تقاضای تجزیه  
 میکنم  
 رئیس . شروع برای شده است قبلاً  
 بایستی فکر اینکار را کرده باشید  
 ( اخذ واستخراج آراء  
 بعمل آمده و نتیجه  
 بقرار ذیل حاصل شد )  
 عده حضار ۹۴ ورقه سفید علامت  
 قبول ۶۲  
 رئیس . عده حضار ۹۴ با کثرت  
 رأی تصویب شد . چند فقره تقاضای  
 مرخصی شده قرائت می شود و رأی می  
 گیریم  
 ( راپورت کمیسیون مرخصی  
 راجع به مرخصی ۷۷ و پنج روز آقای  
 قائم مقام بشرح ذیل قرائت شد )  
 آقای قائم مقام بعنوان آنکه شش  
 سال است از خانه و ملاقات خود دور و تا  
 گزیر از مسافرت برای اصلاحات امور  
 شخصی هشتم تقاضای ۴ روز مرخصی کرده  
 بودند کمیسیون پس از مشاوره ۷ روز و پنج  
 روز قیبت ایشان را تصویب می نماید کرد  
 مدت مزبوره غائب با اجازه ثبت شوند  
 مخیر کمیسیون حسن ملک التجار  
 رئیس . رأی گرفته می شود آقایانی  
 که تصویب می کنند مرخصی ۷۷ و پنج  
 روز آقای قائم مقام را قیام فرمایند  
 (عده قلیبی قیام نمودند)  
 رئیس . تصویب شد راپورت دیگری  
 قرائت میشود  
 ( بشرح ذیل قرائت شد )  
 آقای حاج میرزا علی رضا نماینده  
 معترم بواسطه اقامه هزاداری درلده طبع  
 قم است اجازه مرخصی برای پانزده روز نموده  
 که تاریخ آن از غره معزم خواهد بود

کمیسیون با مشاوره تصویب مینماید که  
 پانزده روز قیبت ایشان با اجازه ثبت  
 شود .  
 مخیر کمیسیون - حسن ملک التجار  
 رئیس . رأی میگیریم آقایانی که  
 این راپورت را تصویب میکنند قیام نمایند  
 (اکثر نمایندگان قیام نمودند)  
 رئیس . تصویب شد . پیش نهاد  
 آقای سردار معظم قرائت میشود و مزاجه  
 میشود ششم ها  
 (بضمون ذیل قرائت شد  
 ساحت معترم مجلس شورای ملی  
 شید الله اراکانه  
 هر ملتی مکلف است که نسبت به مفاخر  
 تاریخی خود با راز علاقه مندی کرده و از بروز  
 قدر دانی خودداری نکند  
 قدر و رتبه حکیم ابوالقاسم فردوسی  
 که ما به فخر ایران تنها نبوده بلکه یکی از  
 مفاخر بشریت محسوب است بر کسی مستور  
 نیست و سزاوار نخواهد بود که مدفنش در حال  
 حالیه و تقریباً از بفرشته و محو شود و با سایر  
 خرابهای شهر طوس تفاوتی نداشته باشد  
 بنابراین بی احترامی این دانشمند ایرانی  
 نظر اینکه پیشنهاد ملیتی برای خرج از  
 وظیفه نمایندگان خارج است لذا پیشنهاد  
 ذیل تقدیم میشود  
 پیشنهاد - مجلس شورای ملی دولت  
 را دعوت می نماید که مبلغ کافی برای تعمیر  
 مقبره حکیم ابوالقاسم فردوسی در بودجه  
 خود منظور و برای تصویب بمجلس شورای  
 ملی پیشنهاد نمایند پیش نهاد کننده سردار  
 معظم )  
 رئیس . ارسال میشود به شعبات آقای  
 شریعت زاده  
 (اجازه)  
 شریعت زاده . سابقاً از وزارت داخله  
 راجع به هبیت نظار ارامنه سؤالی از مجلس  
 شده رجوع شده بود به کمیسیون تجدید  
 نظر در قانون انتخابات بنده تقاضا میکنم جزو  
 دستور جلسه آئینه است  
 رئیس . جزو دستور می شود . جلسه  
 آئینه چون روز سه شنبه عید مشروطیت است  
 و مصادف با هزاداری است جشن موقوف  
 است ولی مجلس تعلیل خواهد بود جلسه آئینه  
 روز چهارشنبه جلسه خواهد بود جلسه آئینه  
 روز چهارشنبه چهار ساعت قبل از ظهر دستور  
 لایحه نفت بعد لایحه پیشنهاد وزارت داخله  
 نسبت به اشکالی که در انتصابات ارامنه  
 پیش آمده  
 آقای سردار معظم  
 (اجازه)  
 سردار معظم . عرض بنده راجع به  
 دستورات البته موافقم که لایحه نفت جزو  
 دستور شود ولی در ضمن دو تقاضا دارم یکی  
 این که راپورت نسخه فرانسه که بنده ده  
 روز قبل طبع و توزیع شود بنده هنوز  
 نرسیده این را اگر ممکن است مقرر به  
 فرمایند که زودتر نسخه فرانسه را بدهند و

امین نمایندگان تقسیم کنند  
 ثانیاً نظر باینکه در مطلب معموله جزو  
 دستور می شود راجع به موضوع ارامنه  
 چون مسئله مهمی نیست و چندان فوری  
 ندارد بنده تقاضا می کنم عرض آن مثلا  
 طبع و توزیع صورت مشروح مجلس که جزو  
 دستور بوده است مخصوصاً با مذاکراتی که  
 در بین هست جزو دستور جلسه آئینه شود  
 تنها میکنم پیشنهاد بنده را هم در جلسه  
 آئینه قرائت کنید  
 رئیس . تصور می کنم پوست برماز  
 همه آنها فوری تر است و راپورتش داده  
 نشده است  
 سردار معظم - کمیسیون قوانین مالی  
 امروز عصر منقذ خواهد شد و نمایندگان  
 معترم دولت می آیند و البته برای جلسه  
 آئینه راپورت داده سواهد شد .  
 رئیس . برای روز چهارشنبه جزو  
 دستور میشود . آقایان تدین .  
 (اجازه)  
 تدین . در یکی از جلسات گذشته  
 راپورت کمیسیون بودجه راجع به شهریرو  
 مستیری یک هده از صاحب منصبان وزارت جنگ  
 جزو دستور شد ولی چون موقع نرسید  
 مطرح نشد و چون آنها اشخاص بیچاره  
 هستند بنده پیشنهاد می کنم جزو دستور  
 جلسه آئینه شود که تکلیف آنها معین گردد  
 رئیس . پیشنهاد آقای سردار معظم  
 و پیشنهاد جناب عالی جزو دستور میشود  
 سردار معظم - بنده پیشنهاد کرده  
 بودم تکلیف پیشنهاد دیگر چیست  
 رئیس . پیشنهاد دیگر در جلسه آئینه  
 قرائت می شود و با نقل حاضر نیست . آقای  
 ملک الشراه  
 (اجازه)  
 ملک الشراه . بنده می خواستم راجع  
 به پیشنهاد آقای سردار معظم در خصوص  
 طبع و نشر صورت مشروح مجلس باز  
 متذکر شوم که چون یک تقاضایی در مجلس  
 مطرح است  
 و بعقیده بنده این مذاکرات خوام  
 تمام مسائل است حتی بلا لایحه ایوست بره  
 و غیره مقدم است و به موجب قانون اساسی  
 بایستی مسائل کرات نمایندگان  
 طبع و نشر شود و در حال حاضر می  
 بینیم که یک قسمت از مذاکرات طبع و نشر  
 نمیشود و بلکه از مباح و نشر آنها جلوگیری  
 میشود  
 علیهذا با وضیات مجلس تصور میکنم  
 تا صورت مشروح مجلس طبع و نشر نشود  
 و مذاکرات به مجرای قانونی نینقد بعقیده  
 مجلس صورت رسمیت نخواهد داشت و  
 بعضی ها مدعی هستند که قوانین از مجلس  
 میگذرد رسمیت ندارد در این صورت ما  
 بایستی آن قسمت از طبع و نشر مذاکرات  
 مفصل مجلس را که آقای سردار معظم  
 پیشنهاد کرده اند رأی بدهیم که مطرح  
 شود تا تکلیف آن معین گردد

ارباب کیشرو - دو مطلب را آقای سردار معظم اظهار نمودند که هر دو مطلب متوجه به اداره مباشرت است اولاً راجع به نسخه فرانسه بود که تا حالا در دستش چاپ شده و اینکه در برنده برای تصحیح آن است و باید آقای ممبر تا کید شود که زودتر تصحیح بفرمایند و بیاورند به مجلس آن قسمت که حاضر است توزیع شود تا آن قسمت اخیرش حاضر شود و بدینصورت دیگرش

راجع بطبع صورت مشروع مجلس است که بنده آن روز استعفا کردم مراجع شود به اداره مباشرت که صورتی از مخارج آن پیش بینی و تقدیم مقام ریاست بکنم و در هیئت رئیسه ملاحظه بشود و بعد بیاورد به مجلس بنده آن قسمت را عمل کردم ولی واپس را تقدیم هیئت رئیسه نشده بامقتضی ندانسته اند که مطرح شود آن بسته بنظر آقای رئیس است که هر وقت مقتضی میدانند جلسه هیئت رئیسه تشکیل و در این باب مذاکره شود

رئیس - خودتان می دانید تشکیل هیئت رئیسه دوشنبه چهارشنبه است

ملک الشراء - اجرای قانون وظیفه رئیس مجلس است

رئیس - فردا در هیئت رئیسه مطرح می شود - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقای آقا سید یعقوب - بنده خیلی متاسفم از اینکه آقای ملک الشراء می فرمایند نطق ما مقدم است بر پوست بره در صورتی که تجار بدبخت مستیشان از بی خبری و ما آن را عقب بیندازیم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (همه بین نمایندگان) (صدای زنگ رئیس - امریکوت)

رئیس - آقای ممبر الملک (اجازه)

ممبر الملک - عرض بنده راجع به تدکر روز جلسه بود چون هفته گذشته جلسه بروز شبه همین شد و بعضی از آقایان تصور کردند روز یکشنبه است و حاضر نشدند و حالام از بعضی آقایان شنیدم که فرمودند روز پنجشنبه خوب است همین بفرمایند جلسه روز چهارشنبه است یا پنجشنبه

رئیس - بنده گمان می کنم واضح عرض کردم چهارشنبه

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملک

مجلس سه ربع ساعت

رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملک

مجلس سه ربع ساعت

رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملک

صورت مشروح مجلس یوم چهارشنبه ۱۵ اسد ۱۳۰۳ مطابق چهارم محرم ۱۳۴۳

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید) (صورت مجلس دوازدهم اسد را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقای آقا سید یعقوب - عرض ندارم رئیس - کسی مخالف نیست؟ (گفته شد - خیر)

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

شریعتدار دامغانی - بنده میخواستم عرض کنم علت اینکه اعتبار نامه آقای معاضد السلطنه در مجلس جویان بیدان بکنند چیست؟

خوبست آقایان اعضاء شعبه توجه به فرمایند و رسدگی باین دوسه را خانه بدهند و اعتبار نامه ایشان را به مجلس بیاورند

رئیس - گمان میکنم علتش این است که اعتبار نامه شان هنوز داده نشده است

لايه قانونی نطق از ماده (۲۲) مطرح است

آقای ضیاء الملک (اجازه)

ضیاء الملک - ماده بیست و یک است که ماده بیست و دو میشود

رئیس - ماده بیست سابق است که بیست و دو شده است

ضیاء الملک - بنده در این ماده يك نقصی می بینم و آن این است که برای کارگران ایرانی که در آن موقع مستخدم کیبانی خواهند شد

هیچ ترتیبی در خصوص حداقل مزد و ساعات کار و صندوق تقاعد و حفظ الصحه آن ها که خیلی لازم است در بین کارگران ایرانی مراعات شود نوشته نشده است و بنده تصور میکنم چون زندگی کارگری تازه دارد در ایران پیدا میشود بنابراین باید رعایتی که اوربانیها نسبت بکارگران خودشان میکنند مامم این رعایت را نسبت بکارگران ایرانی بکنیم و بنده مستقدم که يك تبصره باین ماده اضافه شود و در آن حداقل مزد و اکثر ساعات کار و حفظ الصحه کارگران صندوق تقاعد و بیمه اشخاص که در موقع کار انصاف میشوند نوشته شود

سهم السلطان (ممبر) - این قسمتی که آقای ضیاء الملک فرمودند بمقید بنده در این امتیاز نامه نمی شود نوشت البته بایستی این قسمتها را ملاحظه

کرد ولی در امتیاز نامه نمی شود این نوع مطالب از قبیل تعیین ساعات کار و حداقل مزد و غیره را نوشت فقط در این جا نظریه که بوده است این بوده که بایستی کارگران که در این معدن کار میکنند در قسمتهای غیر فنی ایرانی باشند و در قسمتهای فنی هم آنچه ممکن است ایرانی والا امریکائی باشند

همینطور هم در این ماده نوشته شده است

صاحب امتیاز متعهد است برای اتباع ایران که در خدمت او باشند حتی المقدور هر گونه تسهیلات برای تحصیل اطلاعات علمی و عملی در فن صنعتی نطق فراهم آورد

بعلاوه تمهید میکنند برای کارهای غیر فنی امتیاز اتباع ایران را بکار و ادوات و همچنین برای مشاغل که محتاج اطلاعات مخصوصه است ایرانیانی را که دارای استعداد و لیاقت

باشند بکار بفرمایند و در قسمتهای غیر فنی هم ایرانیان را بکار بفرمایند و در قسمتهای فنی هم ایرانیان را بکار بفرمایند و در قسمتهای غیر فنی هم ایرانیان را بکار بفرمایند

رئیس - این قسمتی که مقصود ایشان است آنرا هم البته در جای خودش باید منظور داشت

رئیس - آقای ارباب کیشرو (اجازه)

ارباب کیشرو - بنده نمیدانم استعمال کلمه (حتی المقدور) در این ماده چه معنی دارد و چه معنی خاص می توانیم از این کلمه بفهمیم و چه نتیجه برای اتباع ایرانی که در خدمت این کیبانی میروند گرفته میشود

در این ماده بطور کلی يك عبارتی نوشته شده است

صاحب امتیاز متعهد است برای اتباع ایران که در خدمت او باشند حتی المقدور هر گونه تسهیلات تحصیل اطلاعات علمی و عملی در فن صنعتی نطق فراهم آورد

ولی این کلمه (حتی المقدور) را که چه وجه قسم میشود تفسیر کرد و مفسرش کی خواهد بود

بنده از استعمال عبارت حتی المقدور اینطور مبهم که هیچ وقت اتباع ایران به علم و فن آشنا نخواهند شد و اگر کیسیون مقتضی بداند این عبارت حتی المقدور را از اینجا بردارد بعال اتباع ایران بیشتر نافع خواهد بود

بنده از استعمال عبارت (حتی المقدور) که نوشته شده بمقید بنده اگر بفرانسه مراجعه بفرمائید می بینید که در نسخه فرانسه کلمه (زنايل) است و مقصودش این است که ممکن باشد و اگر بفرانسه مراجعه کنید رفع اشکال خواهد شد

آقای آقا سید یعقوب - صحیح است

ارباب کیشرو - آقای آقا سید یعقوب شایسته بفرمائید؟

بنده اینجا یاد کرد کلمه دیگران بکلی

بنده اینجا یاد کرد کلمه دیگران بکلی

بنده اینجا یاد کرد کلمه دیگران بکلی

بنده اینجا یاد کرد کلمه دیگران بکلی

بنده اینجا یاد کرد کلمه دیگران بکلی

بنده اینجا یاد کرد کلمه دیگران بکلی

بنده اینجا یاد کرد کلمه دیگران بکلی

بنده اینجا یاد کرد کلمه دیگران بکلی

آقای آقا سید یعقوب - شایسته که اهل العلماء هستند این نظر را نگاه کنند باین بنده

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقای آقا سید یعقوب - بنده موافقم اما میخواهم راجع باظهاری که آقای ضیاء الملک کردند عرض کنم

رئیس - اگر موافقت باشد بمذاکره مخالف

آقای آقا سید یعقوب - آقای ارباب مخالف بودند

رئیس - ایشان بمذاکره آقای ممبر صحبتی نکردند

آقای آقا سید یعقوب - بنده میخواهم جواب آقا را عرض کنم - خیلی تعجب است این امتیاز نطق است یا امتیاز مدرسه است؟

شیروانی - بنده هم همین را عرض کردم

آقای آقا سید یعقوب - ما امتیاز نطق را میدهیم نه امتیاز تأسیس مدرسه که بیاید و مدرسه فنی برای افراد ایرانی تأسیس کند ولی افراد ایرانی که مستعد از برای تحصیلات هستند کیبانی هم بآنها اهدات و همراهی میکنند که دارای علم و کمال بشوند نه اینکه بکیبانی بگوئیم يك مدرسه دارالعلوم و نظام و تجارت هم تأسیس کنند

مایک امتیاز نطقی میدهیم که در این امتیاز يك منافی هم از برای ایرانی ملحوظ شده است

اما راجع بکنه (دیگران) ما گفتیم که این امتیاز باید در دست يك کیبانی معتبر مستقل امریکائی باشد حالا اگر بخواید کارگر فنی از روسیه بجای دیگر بیاورد و استخدام کند ما نباید مخالف باشیم و مانع شویم ما که با کارگر عباد نداریم کارگر از هر ملتی میخواهد باشد بیاورد

رئیس - آقای اشکر (اجازه)

اشکر - بنده مستقدم قسمتم استفاده که ایران از این امتیاز میکنند همان موضوع استفاده بکنه کارگر است و بایستی این نکته را بیشتر از همه مراعات کرد و عموماً ما در قسم دیگر گرفتار این ابتلاآت هستیم و يك اجازات و تمدنیانی نسبت بملجعات می شود و يك جمله جانی از خارج بیاورند و آن نظر ما هم تأمین نمی شود ما باید از این ترتیبات تبعی بگیرییم و برای آتیه خودمان را گرفتار بکنه مخصوصه هائی نکنیم بنده مستقدم که در آخر ماده بیست و دو یک شرحی اضافه شود که موافق قانون علیحدگی که تصویب دولت و کیبانی خواهد رسد - ترتیب مزد عملیات و ساعات کار و حفظ الصحه و صندوق تقاعد و ترتیب بیمه عملیات که اگر یکی در ضمن کار معیوب شد با تلف شد یا بپرشد تکلیفش چیست؟ اما راجع بملجعات ایرانی این عبارتیکه در اینجا نوشته شد

حتی المقدور بکار و ادوات خواهد شد کافی نیست ما بایستی بفهمیم پس از

مغالطه و باید صاحب امتیاز در این ماده تمهید کند که اعضاء فنی و غیر فنی او ایرانی و امریکائی باشد و نباید اجازه داد که دیگران هم بامضا فنی و غیر فنی داخل در کارهای فنی شوند و پیشنهادیم کردیم که کیبانی حق ندارد غیر از ایرانی و امریکائی اعضاء فنی و غیر فنی برای خودش بیاورد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقای آقا سید یعقوب - بنده میخواهم جواب آقا را عرض کنم - خیلی تعجب است این امتیاز نطق است یا امتیاز مدرسه است؟

شیروانی - بنده هم همین را عرض کردم

آقای آقا سید یعقوب - ما امتیاز نطق را میدهیم نه امتیاز تأسیس مدرسه که بیاید و مدرسه فنی برای افراد ایرانی تأسیس کند ولی افراد ایرانی که مستعد از برای تحصیلات هستند کیبانی هم بآنها اهدات و همراهی میکنند که دارای علم و کمال بشوند نه اینکه بکیبانی بگوئیم يك مدرسه دارالعلوم و نظام و تجارت هم تأسیس کنند

مایک امتیاز نطقی میدهیم که در این امتیاز يك منافی هم از برای ایرانی ملحوظ شده است

اما راجع بکنه (دیگران) ما گفتیم که این امتیاز باید در دست يك کیبانی معتبر مستقل امریکائی باشد حالا اگر بخواید کارگر فنی از روسیه بجای دیگر بیاورد و استخدام کند ما نباید مخالف باشیم و مانع شویم ما که با کارگر عباد نداریم کارگر از هر ملتی میخواهد باشد بیاورد

رئیس - آقای اشکر (اجازه)

اشکر - بنده مستقدم قسمتم استفاده که ایران از این امتیاز میکنند همان موضوع استفاده بکنه کارگر است و بایستی این نکته را بیشتر از همه مراعات کرد و عموماً ما در قسم دیگر گرفتار این ابتلاآت هستیم و يك اجازات و تمدنیانی نسبت بملجعات می شود و يك جمله جانی از خارج بیاورند و آن نظر ما هم تأمین نمی شود ما باید از این ترتیبات تبعی بگیرییم و برای آتیه خودمان را گرفتار بکنه مخصوصه هائی نکنیم بنده مستقدم که در آخر ماده بیست و دو یک شرحی اضافه شود که موافق قانون علیحدگی که تصویب دولت و کیبانی خواهد رسد - ترتیب مزد عملیات و ساعات کار و حفظ الصحه و صندوق تقاعد و ترتیب بیمه عملیات که اگر یکی در ضمن کار معیوب شد با تلف شد یا بپرشد تکلیفش چیست؟ اما راجع بملجعات ایرانی این عبارتیکه در اینجا نوشته شد

حتی المقدور بکار و ادوات خواهد شد کافی نیست ما بایستی بفهمیم پس از

مغالطه و باید صاحب امتیاز در این ماده تمهید کند که اعضاء فنی و غیر فنی او ایرانی و امریکائی باشد و نباید اجازه داد که دیگران هم بامضا فنی و غیر فنی داخل در کارهای فنی شوند و پیشنهادیم کردیم که کیبانی حق ندارد غیر از ایرانی و امریکائی اعضاء فنی و غیر فنی برای خودش بیاورد

در يك امتیاز بکنه طرف مایک کیبانی معینی است نمی شود پاؤ گفت شما مجبور هستید که ساعت کار را هشت ساعت بکنید در صورتیکه در همین مملکت در جای دیگر در ساعت کار میکنند

این يك ترتیبی است که بالطبع او را رو بورد شکستگی میبرد همیشه قوانین کارگر باید يك طوری باشد که برای همه مساوی باشد مثلا اگر در يك جایی کمتر کار کنند و بیشتر مزد بدهند در مقابل مؤسسه دیگری که کمتر میدهد نمیتواند زندگانی کند پس ممکن است آقای آقا سید یعقوب بفرمایند که در آن پیشنهاد حقوق کارگر و مزد و غیره تمام اینها ملحوظ شده باشد و بنده هم موافقم

اما راجع بقسمت دوم که اتباع ایرانی باید کارگر باشند البته مادام که ما خودمان کارگر داریم نیایستی بکنیم که از خارج کارگر بیاورند ولی این مسئله راهم باید تذکر بدهیم که نباید تصور کرد در ایران کارگر زیاد است همین قدر که دو مؤسسه بزرگ مثل نطق در ایران پیدا شود خواهیم دید که فلاحت و زراعت ایران زمین خواهد خورد آن در يك قسمت ایران کارگر و ملاح و زراعت بقدر کافی نیست و املاک و اراضی همینطور معطل مانده و بایستی این فکر را هم کرد و همین نظریه که کیسیون بعد از ملاحظات و دقتهای زیاد را بطوریکه ملاحظه میفرمائید نوشت و البته اگر ایرانی بقدر کافی نباشد آنوقت نمیشود گفت که از جای دیگر هم کارگر نیاورند و این هم یکی از اشتباهات است که ما می کنیم و آمدن يك نفر خارجی را بایران مضر میدانیم

ایران محتاج است باینکه يك عده را از خارج بیاورد بادر نظر گرفتن جهات سیاسی آن این مملکت وسیع و باصلاح یکی از آقایان روزنامه نویس این مملکت لندهور که ما داریم باید سعی بکنیم که از خارج جمله بیاوریم زیرا با این عده کم ممکن نیست کار پیش برود مثلا دو ملت بزرگی که خیلی مهاجرت میکنند یکی ایتالیا است یکی آلمان بنده کارگر آلمانی یا ایتالیایی بیاورد و تصور میکنم که اگر امروز بخواهیم بطور سریع ذکر کنیم که مثلا از فلان نقطه نباید کارگر بیاورد چندان حسن اثر نداشته باشد و رویه برفته همان طور که کیسیون نوشته است تصور نمیکنم نگرانی داشته باشد و خوبست آقایان رای بدهند

(جمعی گفتند - مذاکرات کافی است)

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود پیشنهاد آقای اشکر

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده بیست و دو عبارت ذیل اضافه شود

در این ترتیب برای ما خیلی مهم است در کیبانی نطق جنوب آلمان عده زیادی عملیاتی کار میکنند در صورتیکه نظرها این است که ایرانیان بی کار مشغول کار شونده مانعی خواهیم ناموقی که در ایران بی کار هست جمله از جای دیگر بیاورند برای اینکه کارگران ایرانی نسبت بعمادان ایران احق و اولی هستند

رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - اعتراضات نماینده محترم آنچه که بنده تلفظ شدم دو قسم است

یکی راجع بمسئله مزد کارگر و دیگر اینکه عملیات باید ایرانی باشند آنچه راجع بمسئله کارگر است البته باید تصدیق کرد که کارگر يك سرمایه بزرگی است صرف نظر از اینکه از نقطه نظر انسانیت باید او را حفظ کرد باید کاری کرد که او بتوسط زندگانی کند و بدرد مملکت بخورد منتهی محل اعمال این نظر را هم باید در نظر گرفت در يك مملکتی نمی شود يك مؤسسه و يك کیبانی را مجبور کرد که رعایت يك قواعد مخصوصی را نسبت بکارگر بکند در صورتیکه سایر موسسات آن مسئله را رعایت نمیکند این خارج از انصاف و خارج از ترتیب معموله است بلکه باید يك قوانینی از برای حفظ حقوق کارگر وضع کرد و این همان ترتیبی است که در تمام دنیا معمول است و همین مسئله را که آقای ضیاء الملک اشاره کردند

همین مسئله را در دوره چهارم در موقع امتیاز کبریت تبریز بنده تذکر دادیم و این يك مسئله مهمی است و در هر حال باید يك قوانینی راجع بحفظ الصحه و ساعات کار و حداقل مزد و سایر ترتیباتیکه راجع بکارگر است وضع کرد و همانطور که عرض کردم بطوریکه در تمام ممالک دنیا معمول است بالاخره ایران هم باید يك روزی خودش را میان ممالک متقدمه عالم در بیاورد و قواعد معین را نسبت بکارگر داشته باشد اما امروز

ترتیب حقوق کارگران و حفظ الصحه آنها و تعیین تکلیف اشخاصی که در خدمت کیبانی تلف و یا معیوب می شوند و غیره موافق نظامنامه علیحدگی که بتصویب دولت ایران و کیبانی خواهد شد

رئیس - توضیح بدهید

اشکر - بنده علاوه بر آن توضیحی که عرض کردم گمان نمیکنم دیگر محتاج بتوضیح باشد همینقدر عرض میکنم این که آقای داور فرمودند ممکنست کارگر کسر داشته باشیم بنده تصور نمیکنم

علی ای حال اگر کسر داشته باشیم باند داشته باشیم عقیده بنده اینست که باید نظامنامه باشد که تکلیف کارگر و کارفرما معلوم باشد و همین ملاحظه بنده این پیشنهاد را کرده ام که در آخر ماده بیست و دو اضافه شود و بعد دولت با تصانیف کیبانی يك نظامنامه کارگران ترتیب بدهند که هم کارگران تکلیفشان را بدانند و هم کیبانی تکلیفشان را بداند و این تکلیف شاقی نیست بلکه يك چیز است که در تمام ممالک دنیا معمول است و البته از تمدنیانی جلوگیری خواهد کرد

رئیس - آقای مشار اعظم (اجازه)

مشار اعظم - مذاکرات در اطراف رعایت حقوق کارگر خیلی خوبست البته باید نسبت بطوق کارگرانی که در مملکت ما متحمل زحمات زیادی می شوند رعایتی کرد از اینکه برای خودشان کار بکنند یا برای کیبانیهای خارجه

برای اینکه نسبت بآنها تعدی نشود و حقوق آنها محفوظ بماند باید قوانین و نظامنامه هائی تهیه کرد ولی چیزی که هست این موضوع مربوط باین ماده نیست این ماده در خصوص روشن فکر و باسواد و اشخاص فنی است و ماده هیچ مربوط باین قضیه نیست و بر فرض هم که پیشنهاد آقای اشکر خیلی خوب باشد تازه جای آن در ذیل این ماده نخواهد بود بلکه در جای دیگر است و باز هم عرض میکنم که درست در نسخه فرانسه آنها دقت بفرمائید این ماده در خصوص اشخاص فنی است و کیبانی باید حتی الامکان يك تسهیلاتی فراهم بکنند و آنها را بامتن فنی آشنا بکنند و راجع بآنها هم که متخص هستند آنها را در استخدام ترجیح بدهید بخرارجها بنابراین موضوع مربوط باین قضیه نخواهد بود و يك موضوع دیگری است

رئیس - رای میگیریم بقبول توجه بودن پیشنهاد آقای اشکر

مدرس - بکنده دیگر قرائت بکنند (مجدداً بشرح گذشته قرائت شد)

مدرس - صحیحست و عیبی ندارد

رئیس - آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

( اغلب قیام نمودند )  
 رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای حاج میرزا عبدالوهاب .  
 ( بشرح ذیل خوانده شد )  
 بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بنامه بیست و دو اضافه شود :  
 در صورتیکه صدقه مالی و چنانچه عملیات که مشغول خدمت هستند در عین عمل وارد بیاید کمیانی باید از عهده خسارات وارده برآید .  
 مدرس - این هم نوبت نظامنامه است آقا استرداد میکنند .  
 حاج میرزا عبدالوهاب - چون پیشنهاد آقای اخگر این را داشت استرداد میکنند .  
 رئیس - پیشنهاد آقای ضیاءالملک ضیاءالملک - دیگر لزومی ندارد .  
 رئیس - پیشنهاد آقای ابواب کبخیرو ( بشرح ذیل قرائت شد )  
 بنده پیشنهاد میکنم در ماده بیست و دو عبارت حتی المقدور حذف و بعد از عبارت « هر گونه تسهیلات کلمه « ممکنه » مزید شود .  
 ابواب کبخیرو - خود آقای مخبر در ضمن توضیحاتی که دادند فرمودند که این مطلب در نسخه اصل نیست و در کمیسیون اضافه کرده اند و این کلمه مقصود را رسانده و در پیشنهادی هم که خود دولت سکرده است نوشته است تسهیلات عادلانه و هیچ حتی المقدور نوشته است علاوه بنده تصور میکنم که اگر کلمه ممکنه را بنویسد آن بیانات خودشان را میرساند و این اشکالات هم رفع می شود .  
 مخبر ( سهام السلطان ) بنده عرض کردم که این کلمه حتی المقدور بجای کلمه در برابر نوشته شده همانطور هم که عرض کردم کلمه و زبانی را ممکنست یکی از این عبارات ترجمه کنیم و بجای آن حق - المقدور نوشته شود چون این پیشنهاد قابل توجه شد این کلمه را در کمیسیون تبدیل میکنیم بیک کلمه دیگر که نزدیکتر به معنی کلمه فرانسه باشد .  
 رئیس - ماده بکسیون می رود ولی باید تکلیف کمیسیون معلوم باشد .  
 سهام السلطان مخبر - عبارت را نوشته اند در کمیسیون تجدید نظری میشود هر کدام را اصلاح دیدند بجای آن نوشته میشود .  
 رئیس - حالا رأی بگیریم .  
 مخبر - رأی هم ممکنست هر کدام را رأی دادند نوشته میشود .  
 رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .  
 ( اغلب قیام نمودند )  
 رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد دیگر .  
 ( بشرح ذیل قرائت شد )  
 بنده پیشنهاد میکنم ترتیب امور کارگران موافق قانون کسب و کاریگری آذربایجان باشد .  
 محمد هاشم میرزا

رئیس - آن ترتیب را هم توضیح بدهید .  
 شاهزاده شیخ الرئیس - اینها در این میخوانم چون بنده امیدوار نیستم که نظامنامه نوشته شود .  
 چنانکه بار سال هم بنده مخبر کمیسیون قوائد علمه بودم و امیدوار بودم و تصور نمیکنم که این نظامنامه اصلاً نوشته شود اینست که عقیده دارم این دو ماده از قانون کسب و کاریگری آذربایجان را ( در صورتی که نفع هم گمان نکنم در ترتیب کسب و کاریگری )  
 افلا نوشته شود .  
 ماده دوم - صاحبان امتیاز متعهد هستند که در تأسیس کارخانجات و انتخاب محل و قبول کارگران و استعمال مواد کسب و کاریگری کمال مراقبت و رعایت حفظ الصحة را بعمل آورده و هر قسم دستوری که از نقطه نظر حفظ الصحة از طرف دولت معین میگردد بوقع اجرا بگذارند .  
 ماده دوم - هر کارساختی مستخدمین و کارگران وارد شود و ثابت گردد که نتیجه نظریه یا گفت صاحب امتیاز یا عدم رعایت نظامات و قوانین راجعه بکارخانجات بوده است ترمیم خسارات آنها بر عهده صاحب امتیاز است .  
 این دو ماده را عقیده بنده اینست بگذارند و فقط لفظ کسب و کاریگری را حذف کنند و این دو ماده را که سابقه هم دارد افلا رعایت بکنیم .  
 وزیر مالیه - چون مفاد در موضوع وضیعت عملیات در نفت شمال میشود این مسئله را گویا آقای حائری زاده بودند در کمیسیون اظهار کردند و با نمایندگی کمیانی مذاکره کردیم آنها حرفی ندارند و در موضوع حفظ الصحة عملیات هر قانونی که از مجلس شورای ملی بگذرد راجع به رعایت عملیات آنها قبول دارند و هیچ تردیدی نخواهند داشت و گمان نمیکنم این شرطی باشد که جزء شروط اصلی یک امتیازنامه باشد .  
 آنها قوانینی را که مجلس مقرب دارند قبول دارند .  
 شاه زاده شیخ الرئیس - در صورتیکه قبول کرده اند دیگر عرضی ندارم .  
 ( پیشنهاد آقای سالار لشکر بشرح ذیل قرائت شد )  
 پیشنهاد می نمایم در آخر ماده اضافه شود :  
 « ایرانیانی که تحصیل مهندسی مدنی یا شغبات دیگر مهندسی را نموده اند و دارای تصدیق نامه یکی از مدارس اروپا یا آمریکا باشند کمیانی ملتزم است که آن شاکردها را استخدام و کار فنی موافق تحصیل آنها رجوع نماید .  
 سالار لشکر - این مسئله فنی و غیر فنی که اینجا نوشته است حالا در ایران شاکر

هائی که واقف بن معدن باشند نداریم ولی نظر باینکه این امتیاز تا پنجاه سال است و یک عده شاکردهائی که در اروپا همیشه هستند که پس از تحصیل مهندسی متعهدند که پس از آن امتیاز را بکار گزاری غیر از امریکائی نیاورند .  
 اینها یک چیز هائیت است که لازم نیست باشد شرح بکنم آقایان خودشان بهتر میدانند و اینکه آقای داور فرمودند ما کارگر کم داریم گمان میکنم اینطور نباشد برای اینکه ممکنست ایران همه شان بعد از آنکه کار بیکار هستند و اگر تا چند امتیاز دیگر هم بدهیم شاید کارگرهای ما تمام نشوند .  
 راه معدن و غیره .  
 آن شاکردهائی که از فرنگ می آیند اینجا وظیفه کمیانی باشد که آنها را قبول بکنند و به آنها کار رجوع بکنند بلکه در این مدت افلا درست میدهد تا مهندس ایرانی تهیه بشود و بعد از تمام شدن این امتیاز و این استخدام خودشان هم بتوانند یک امتیازاتی بگیرند و کار ایرانهم از هر حیث رواج پیدا بکنند .  
 مقصود بنده واقف شاکر نیست که در اروپا هستند .  
 وزیر مالیه - بنده خیلی تقصیر میکنم فرمایشات حضرت والا سالار لشکر را ولی خاطر ایشان را متوجه میکنم بقره اشیر ماده بیست و دو :  
 « همچنین برای مشاغلی که محتاج دارای استخدام و لیاقت لازم ببینند به دیگران ترجیح بدهند »  
 رئیس - آقایان تین ( اجازه )  
 تین - ماده بیست و دوم را اگر بدقت طرف توجه قرار بدهند تصدیق خواهند کرد که به قسمت منقسم میشود و در هر سه قسمت منافع کارگروعه ایرانی تأمین شده است .  
 یکمده کارگرها و عملیات که اطلاعاتی ندارند از فنی منقسمی نفت صاحب امتیاز متعهد است که هر گونه تسهیلات موجهه بامکنه برای آن عده کارگر تهیه کند .  
 بنابراین یکمده کارگر میتوانند از این قسمت استفاده کنند و کسب یک رشته معلومات بکنند .  
 قسمت دوم در اینجا تشریح دارد این ماده بعد از جمله فراهم آورد ضمیمه « و اعضاء فنی ایرانی را بر امریکائی ترجیح دهد »  
 و در آخر همین ماده ضمیمه شود :  
 « در هر صورت صاحب امتیاز متعهد است که اعضاء و کارگران فنی و غیر فنی خود را فقط از ایران و آمریکا استخدام نماید »  
 شیروانی - بنده استدعا میکنم یک قدری آقایان وقت بفرمایند جلسه سیاسی و جنبه اقتصادی این ماده را و بالاخره فکر

کارگرهای ایرانی ببینند که این وقت در چه نقطه واقع شده است و در نزدیکی چه مملکتی واقع شده است و حتی الامکان محدود باشد که تا ماکار گرایانی داریم کارگزار خارجی غیر از امریکائی نیاورند .  
 اینها یک چیز هائیت است که لازم نیست باشد تشریح بکنم آقایان خودشان بهتر میدانند و اینکه آقای داور فرمودند ما کارگر کم داریم گمان میکنم اینطور نباشد برای اینکه ممکنست ایران همه شان بعد از آنکه کار بیکار هستند و اگر تا چند امتیاز دیگر هم بدهیم شاید کارگرهای ما تمام نشوند .  
 یکی دیگر اینکه بنده کاملاً متقدم کمیانی معهود باشد باینکه کارگروا اعضاء و اجزایش چه فنی و غیر فنی آمریکائی و ایرانی باشد .  
 در آن قسمت اعضاء فنی البته اگر ما در ایران نداشته باشیم او هم مجبور نیست که درس بدهد و بقول آقای آقا سید تقی بنده عرض نمیکنم دارالفنون درست میکند بنده در اینجا فقط ضمیمه کردم که اگر اعضاء فنی خودمان داریم استخدام کند و اگر نماند آنوقت لزوم پیدا میکند که از امریکائی بیاورد .  
 این قسمت فنی و در قسمت ثانی هم که غیر فنی باشد مجبور باشد کارگزارانش را از امریکائی و ایرانی استخدام کند و از جای دیگر نیاورد .  
 رئیس - آقایان تین ( اجازه )  
 تین - ماده بیست و دوم را اگر بدقت طرف توجه قرار بدهند تصدیق خواهند کرد که به قسمت منقسم میشود و در هر سه قسمت منافع کارگروعه ایرانی تأمین شده است .  
 یکمده کارگرها و عملیات که اطلاعاتی ندارند از فنی منقسمی نفت صاحب امتیاز متعهد است که هر گونه تسهیلات موجهه بامکنه برای آن عده کارگر تهیه کند .  
 بنابراین یکمده کارگر میتوانند از این قسمت استفاده کنند و کسب یک رشته معلومات بکنند .  
 قسمت دوم در اینجا تشریح دارد این ماده بعد از جمله فراهم آورد ضمیمه « و اعضاء فنی ایرانی را بر امریکائی ترجیح دهد »  
 و در آخر همین ماده ضمیمه شود :  
 « در هر صورت صاحب امتیاز متعهد است که اعضاء و کارگران فنی و غیر فنی خود را فقط از ایران و آمریکا استخدام نماید »  
 شیروانی - بنده استدعا میکنم یک قدری آقایان وقت بفرمایند جلسه سیاسی و جنبه اقتصادی این ماده را و بالاخره فکر

خیلی کمتر است و صاحب امتیاز آنقدر لافقل تقل دارد و هر جائی که عمل از آنتر باشد آن عمل را ترجیح خواهد داد بر هر جائی که گرانتر است .  
 پس برای امور غیر فنی این مسئله طبیعی است که تا سالهای سال عمل ایرانی از نقطه نظر اینکه مزدش کمتر است بر عمل خارجی مقدم خواهد بود .  
 قسمت سوم که اینهمه در اطرافش بحث میشود که ما اگر یکمده اعضاء فنی داشته باشیم و یکمده شاکر از مدارس اروپا بر گردن بیاوریم باینجا و اینها ممکن است در معدن شناسی و عملیات فنی یا مشتقات آن اختصاص پیدا بکنند اینجا بیکار خواهند ماند و بنابراین باید کمیانی را ملزم کرد که اینگونه اشخاص را بکار وادارند بنده تصور میکنم این قسمت هم تأمین شده است برای اینکه آخر ماده اینطور است « همچنین برای مشاغلی که محتاج باطلاعات مخصوصه است ایرانیانی را که دارای استخدام و لیاقت لازم ببینند به دیگران ترجیح بدهند »  
 شیروانی - می گوید دارای استخدام نیستند - خوب هر گاه اختلاف شد در فهم و تفسیر این عبارات و مواد آن یک راه حلی دارد و اما اینکه میگویند کلمه دیگران حذف شود .  
 علاوه راجع بامور فنی است نه امور غیر فنی و اگر بخواهند همانطور که اظهار شد متخصص از آلمان بیاورد یا از ایتالیا بیاورد یا از استرالیا بیاورد یا از جای دیگر این را نمیشود منع کرد و گفت حتماً باید از امریکائی بیاورد این به چه وجه دلیل قانع کننده نیست و این نکته را هم در آخر عرض کنم که می صحبت میشود کارگر زیاد داریم نه کارگر زیاد نداریم فرست بین کارگر و بیکار .  
 بیکار زیاد داریم الان در این تهران تنگید نمیکنم که بیکار زیاد است هیچ بی کاری حاضر نمیشود پرود عملی بکنند .  
 این عده بیکار که در تهران هستند یکمده منتظرین خدمت ادارات هستند و یک عده دیگر که سکن نیست یا وسایل برای ایشان نیست که بروند بیل بزنند کلنگ بزنند .  
 پلی اگر برای اموراتاری تباتی متنی گری باشد حاضر میشوند و اینها میگویند ماکارگر زیاد داریم اینطور نیست و الان وقت بفرمایند در توی این تهران عملیاتی که در سر این بناها هستند اغلب زارنده علی ای حال در آن قسمت منقسم داخل بشوم و تصور میکنم که این مقصود تأمین شده و البته دولتهای وقت در این مدت پنجاه سال مراقبت خواهند کرد که اینها در همین مفهوم خودش باقی بماند و رعایت

حالی ایرانی هم شده باشد  
 رئیس - رأی میکنم به پیشنهاد آقای شیروانی .  
 ضیاء الواعظین - بنده یک پیشنهاد داشتم آنرا هم تقاضا میکنم قرائت شود شاید نظریات نظریات ایشان را تأمین بکنند .  
 رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای شیروانی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند ( عده قلبی قیام نمودند )  
 رئیس - قابل توجه نشد .  
 پیشنهاد آقای ضیاءالملک ( بشرح ذیل قرائت شد )  
 بنده پیشنهاد میکنم در سطر آخر بجای جمله « و بیکران ترجیح دهنده نوشته شود » تا از اتباع ایرانی هستند از اتباع دیگری استفاده ننمایند .  
 مدبر الملک - بنده گمان میکنم حقیقتاً پیشنهاد بعضی از آقایان راجع باین نفت خیلی قابل تدبیر و تقدیس بوده زیرا پس از آنکه قائل بشومیم به فرمایشات آقای تین تازه حکمت و تدبیرش را بخود کمیانی واکذار کرده ایم یعنی میگوئیم لیاقت و تخصص را خود کمیانی تشخیص بدهد و تصدیق کند ممکن است بگروزی بکنند از ایرانیها خوب تحصیل کرده باشند حقیقتاً در تمام دنیا هم معلوم شود که آن لیاقتی که این کمیانی میخواهد در این ایرانی بیشتر از دیگران موجود است .  
 ولی بخود کمیانی وقتی رجوع بکنیم او قبول نمیکند و میگویند لیاقت این را من هنوز تشخیص نداده ام .  
 پس در این صورت بنده تصور میکنم پیشنهاد بعضی از آقایان راجع باین که حتی الامکان تا از ایرانیها هستند از اتباع دیگری قبول نکنند خیلی قابل تقدیر است زیرا که در آنوقت ما میتوانیم اعتراض بکنیم که تشخیص را بتو واکذار نکرده ایم و او مجبور است تا ایرانی هست از دیگران قبول نکند .  
 رئیس - رأی میکنیم .  
 آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .  
 ( عده کمی قیام نمودند )  
 رئیس - قابل توجه نشد .  
 آقای مدبر الملک ( بشرح ذیل قرائت شد )  
 بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۲۴ سطر دوم بجای کلمه « حتی المقدور » کلمه « باید » نوشته شود .  
 رئیس - در صورتی که « ممکنه » قبول شد « باید » با « ممکنه » موافقت نمیکند .  
 مدبر الملک - اگر قبول شده است بنده مسترد می دارم .  
 رئیس - بنده که لفظ « ممکنه » نوشته شود

مدبر الملک - کفایت بمقیده بنده مدرس - ولی « باید » اصلاً از « ممکنه » است .  
 مدبر الملک - مسترد می دارم .  
 رئیس - پیشنهاد آقای میرزا جوادخان هم راجع به همین لفظ ممکنه است آقا میرزا جواد خان - چون تصویب شده بنده هم مسترد می دارم .  
 رئیس - پیشنهاد آقای ضیاء الواعظین ( بشرح زیر قرائت شد )  
 حقیر پیشنهاد میکنم که در ماده ۲۴ سطر چهار بعد از جمله « کارهای غیر فنی امتیاز » لفظ « فقط » علاوه شد .  
 ضیاء الواعظین - بنده در این خصوص توضیعی زیاد بر آنچه آقایان گفتند ندارم در این قسمت که در مملکت بیکار خیلی است شاید محل حرف نباشد .  
 آن بیکارهایی که ما می بینیم اشخاصی هستند که در ادارات شهرها و ولایات برای کارهای فنی اداری بیکار هستند ما اگر یک سفری برویم یک قسم از شهر بیرون بگردیم همه رها را می بینیم گرسنه بیکار و فقیر هستند همیشه از این قبیل بی کارها برای قسمتهای غیر فنی این امتیاز در مملکت ما زیاد است اینست که بنده پیشنهاد کردم بعد از آن جمله « که تعهد میکند برای کارهای غیر فنی امتیاز » لفظ « فقط » نوشته شود که جمله اینطور میشود « علاوه تعهد میکند برای کارهای غیر فنی امتیاز فقط اتباع ایرانی را بکار وادارد »  
 مخبر - در کمیسیون این مسئله مطرح شد و مذاکره شد که لفظ فقط نوشته شود ولی از طرف دیگر دقت کردند دیدند اگر فقط نوشته شود منحصر میکند که کمیانی حتماً عملیات ایرانی اختیار کند و اگر اتفاقاً زیاد تر عمل لازم داشته باشد و ایرانی گیر نیاورد باید کار او زمین بماند باین جهت بود که « فقط » را ننوشتند و این عبارت را نوشته اند « که در کارهای غیر فنی امتیاز اتباع ایرانی بکار وادارد » آتوقت قطعاً تا زمانی که اتباع ایران هست بکار وادارد و اگر اتباع ایرانی نبود یا کم آمد دستش باز است که از جای دیگر بیاورد .  
 رئیس - رأی میکنیم .  
 آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند .  
 ( چند نفری قیام نمودند )  
 رئیس - قابل توجه نشد .  
 ماده ۲۴ مطرح است آقای آقا سید یعقوب ( اجازه )  
 آقا سید یعقوب - موافقم .  
 رئیس - آقای اشگر .  
 ( اجازه )  
 اشگر - در این جا ذکر میکند که اگر این مواردی از قبیل فرس مازور پیدا شد که اسباب خسارت و زحمت کمیانی فراهم شد یا باعث تأخیر اجرای عملیات کمیانی

شد کمیانی باید در ظرف ۳۰ روز کتیباً به اطلاع وزارت فوائد عامه در تهران برساند و دولت ایران باید در ظرف ۶۰ روز کتیباً قبول یا عدم قبول مورد فرس مازور را بصاحب امتیاز اطلاع دهد .  
 بنده شصت روز را خیلی کم میدانم و این فرجه که برای قبول یا عدم قبول دولت ایران قرار شده کم است بجهت اینکه این شصت روز با یک گرفتاریهای پیش آمده باشد یا موجه یا یک تعطیلاتی شده باشد و علاوه شاید برای اینکه دولت بتواند این خسارات وارده را قبول بکند یا نکند لازم بشود .  
 یک مأمورینی بعمل فرستد به بیوند و خبر بیاورد در این صورت شصت روز خیلی کم است برای اینکه دولت قبول کرده است که کتیباً قبول یا عدم قبول را جواب بدهد .  
 علیهذا بنده گمان میکنم که باید شصت روز بیشتر قرار دهند برای این که آن موارد فرس مازور را قبول یا رد کند .  
 مخبر - از دو طرف قید شده که کمیانی در عرض یکماه اگر یک واقعه رخ میدهد بسولت خبر بدهد .  
 دولت هم باید در ظرف دو ماه جواب بدهد و بنده گمان میکنم دو ماه کافی است دولت در ظرف این مدت ممکن است اطلاع پیدا بکند که این قضیه که اظهار شده حقیقت دارد و ممکن است قبول کند بانه این تحقیقات مقدماتی در ظرف دو ماه بعمل آید و باید تکلیف کمیانی هم معین باشد که این خسارات قابل قبول است یا نه .  
 بعد از این تحقیقات مقدماتی که بعمل آمد و جواب داده شد اگر محتاج باطلاعات دیگری هم باشد البته ممکن است بعد تحقیق کند .  
 رئیس آقای مشار اعظم ( اجازه )  
 مشار اعظم - بنده عرضی ندارم .  
 ( جمعی از نمایندگان - مذاکرات کالی است )  
 رئیس - پیشنهادها قرائت میشود پیش نهاد آقای اشکار .  
 ( بشرح ذیل قرائت شد )  
 بنده پیشنهاد میکنم ماده ۲۴ بترتیب ذیل نوشته شود .  
 دولت ایران تعهد میکند در موارد فرس مازور مثل جنک رولوسون و زلزله و طوفان و طغیان آب و غیره که مانع از مزاحم یا باعث تأخیر اجرای تعهدات صاحب امتیاز گردد .  
 مدت اجرای آن تعهدات را نسبت به محل تحقق فرس مازور تعیین داده و مدت مقنونه دایر به همان محل حدت امتیاز بفرماید .

افشار - این ماده طوری نوشته شده که اگر فرضاً در یکی از قلمها تیکه امتیاز داده شده قفس ماژور واقع شود آن مدت ابر مدت امتیاز افزوده در صورتیکه قفس ماژور در یک محل مخصوص واقع شده باشد بدهد پیشنهاد کردم که آن مدت امتیاز بهمان معنی که قفس ماژور در آن واقع شده افزوده شود باین معنی که عملیات کمیانی بعد از انقضای مدت محدود بهمان نقطه که قفس ماژور واقع شده باشد.

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - ظاهر این پیشنهاد انسان را جلب میکند ولی در واقع بنده بنظر بنده عملی نیست

برای اینکه کارهای کمیانی تماماً مربوط بیکدیگر است و رشتههای کارش در این چهار قطعه بعد از آنکه اراضی را معین کرد بهم مربوط است

بنابراین در یک قطعه اگر مصداق مصدق قفس ماژور واقع شود آنجا باعث تعطیل کارش شد قطعاً سخته وارد خواهد آورد بکارهای دیگرش بنابراین نمیتوان گفت که تعدید مدت را نسبت بهمان محل قبول میکنیم فرض می کنیم یک سال در خراسان هدای نخواستیم یک مصداق قفس ماژور واقع شد موجب تأخیر عملیات گردید بعلوه آنوقت این یکسال را ما نسبت به خراسان میخواستیم منظور بدین بودیم گوئیم در خراسان امتیازش ۵۱ سال است اما در آن سه قسمت دیگر پنجاه سال است این هیچ منطبق ندارد و بعلوه اصل مقصود همین بود ماست که در یکی از قطعات یادردو تا اگر قفس ماژور مصداق پیدا کرد والا اگر ما قائل شویم که مقصود از وقوع قفس ماژور در هر چهار قطعه است این یک فرضی است معال که گمان میکنم در عرض این پنجاه سال هیچ صورت خارجی پیدا نکنند مثلاً خدای نخواستند بلکنار لوله بیاید که هر چهار قطعه را شامل شود یا سبلی بیاید و آب رودخانه طغیان کند که هر چهار قطعه را فرا بگیرد یا یک دولوسونی بشود که در چهار قطعه اتفاق بیفتد اینها یک اتفاقات و احتمالاتی است که خیلی بعید است

بنابراین بنده تصور میکنم سخته نمی شود این قسمت را قائل شد و اختصاص بیک محل داد و بطور کلی در هر نقطه که یکی از این مصداق قفس ماژور واقع شد باید نسبت بتمام قائل شد والا ممکن است در یک قسمت از صد یا نصد اراضی ماژور در آن قفس ماژور واقع شود و در یک قسمتش این مسئله واقع نشود

بنابراین آن مدتی را که قفس ماژور مابق و مانع و مزاحم اجرای تعهدات کمیانی در یک قسمت از صد یا نصد اراضی ماژور در آن شده آیا میفرمائید نسبت بهمان یک قسمت ما میاییم

متعدد مدت را قائل بشویم و نسبت بجای دیگر منظور نداریم

این یک چیز بعید و فریبی بنظر بنده می آید

رئیس - رأی میگیریم

سر دار معظم - یک مرتبه دیگر بخوانند پیشنهاد را

(مجدداً شرح سابق قرائت شد) (بعضی از نمایندگان کان صبح است)

مدرس - در بین الهالین ایالات و ولایات بنویسند رفع اشکال میشود

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قائل توجه می دانند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای اخگر

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم مدت فرصت دولت برای قبول یا عدم قبول مورد قفس ماژور نمود روز تعیین شود

رئیس آقای اخگر (اجازه)

اخگر - علاوه بر آنکه عرض کردم توضیح دیگری ندارم

رئیس رأی میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس قابل توجه شد پیشنهاد آقای شریتمدار

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که قفس ماژور تفسیر شود بچنگ دولوسون و عمل سیاسی و بالاخره زلزله و طوفان و امثال آن اسقاط بشود

رئیس - آقای شریتمدار (اجازه)

شریتمدار - دولت باید متعهد بشود بچیزهایی که تأمین خسارات کمیانی را می کند و در تحت قدرت و مسئولیت خودش باشد از قبیل چنگ و تاملی و عمل سیاسی و دولت را نمی شود مسئول طبیعیات کرد

از قبیل زلزله و طوفان و غیره و آن چیزهایی که در تحت مسئولیت دولت است یکی اینست و عمل سیاسی است که ممکن است باعث تأخیر عملیات کمیانی شود که اگر در اینها خللی وارد بشود که موجب تعطیل کار کمیانی بشود باید اجازه تعدید مدت داده شود

اما اگر یک عملی پیدا شد که مانع از ادامه عملیات کمیانی شد مثلاً درای بین ایران و امریکا انقلاب شد و اغتشاش پیدا کرد که کمیانی نتوانست مسافرت بکند یا اینکه غیر عمل شخصی پیدا کرد که نتوانست استفاده از کار بکند البته اینها را تصدیق

میفرمائید که خارج از مسئولیت و قدرت دولت است

لهذا بنده پیشنهاد کردم چنگ و دولوسون و عمل سیاسی که موجب تعطیل کار بشود جزو قفس ماژور محسوب شود والا چنانکه معروف است آفات ارضی و سماوی را نباید بدهد دولت ایران بگذارند

سها السطان - بنده عقیده ام این است آن قسمتهائی را که فرمودند هیچ متوجه کمیانیهم نمیشود

بجهت اینکه اگر یک وقایعی اتفاق بیفتد خواه چنگ باشد خواه دولوسون باشد خواه آفات طبیعی باشد مثل طوفان زلزله و غیره اینها هم یک چیزهایی است که نه دولت ایران مسئول است نه کمیانی ولی یک مدتی که بیانی امتیاز این معنی را گرفته البته میخواست در این مدت استفاده بکند و حالا یک مانعی پیدا شده که جلو گیری از استفاده او میکند میخواهد یک مدتی باو تعدید داده شود که در عرض این مدت عملیات خود را ادامه بدهد و استفاده بکند این از این نقطه نظر است والا اگر این قبیل وقایع اتفاق بیفتد مسئول نه دولت و نه کمیانی

رئیس - آقایانیکه این اصلاح را قائل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد

پیشنهاد آقای میرزا جوادخان (بمضمون آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم کلمه (و غیره) از سطر دوم ماده بیست و سوم حذف شود

رئیس - آقای آقا میرزا جواد خان

آقا میرزا جواد خان - چون تقریباً تمام عمل سیاسی و طبیعی که باعث تأخیر یک امتیازی بشود در این جا ذکر شده است در این صورت از کلمه و غیره ممکن است در آتی سوه استفاده بشود و زائد است

وزیر مالیه - نمی شود این کلمه و غیره را حذف کرد معنی قفس ماژور یعنی یک وقایعی اتفاق بیفتد که از تحت اختیارات دولت یا صاحب امتیاز خارج باشد و همه آن هارا نمی شود اینجا ذکر کرد

آقا میرزا جوادخان - عرض کردم که تقریباً تمام آن موارد ذکر شده

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای میرزا جوادخان کسانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد

پیشنهاد آقای عظیمی قرائت میشود (شرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم بجای کلمه

دولوسون کلمه انقلاب که معنی فارسی آن است نوشته شود

رئیس - این را که نمیشود رأی گرفت ماده مراجعه میشود بکمیسیون ماده ۲۴ مطرح است

آقای مشار معظم (اجازه)

مشار معظم - عرضی ندارم

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - موافقم

رئیس - آقای داور موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - کسی مخالف هست یک نفر از نمایندگان کان - خیر

رئیس - رأی میگیریم باده بیست و چهار آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

ماده ۲۵ مطرح است . آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده در این پنجاه اردلان مخالف بجهت اینکه این مستشار های خارجی که می آیند اینجا ما با با زنده هزار دلار و ده هزار دلار استفاده میکنیم اما یک نفر ایرانی که از طرف ایران بعنوان کمیسر معین میشود باید باین حقوق جزئی برود آنجا و بنده در این قسمت مخالفم و باید بیزان حقوق مستشاران خارجی که ما استخدام میکنیم حقوق با و داده شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - ما میبایم داریم که صد هزار دلار بدهند آنها که مستشار از ما نمی خواهند انشاء الله امیدواریم در تحت توجه نمایندگان مستشارم از ایران بخارج برود

(خنده از طرف نمایندگان کان)

ولی این نماینده کمیسری که از طرف دولت میرود آنجا برای این میرود که اطلاعات پیدا کند و از ترتیبات مستحضر شود و ریوریت آنها را بدولت بدهد والا برای این نیبرود که اداره نفت شمال را اداره کند این است که از این بیشتر ممکن نیست

(بعضی گفته اند مذاکرات کافی است)

سر دار معظم - مخالفم

رئیس - راجع بخدمت کفایت مذاکرات مذاکره فرمایند

سر دار معظم - خیر در این قسمت عرضی ندارم

رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی است رأی میگیریم باده ۲۵

سر دار معظم - بنده پیش نهاد دارم

رئیس - بفرستند

(پیشنهاد آقای سر دار معظم شرح زیر قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم کمیسر حذف شود

رئیس - آقای سر دار معظم (اجازه)

سر دار معظم - بنده تصور میکنم گذشتن این ماده و قائل شدن بکمیسر بتصور یک استفاده است والا عملی ندارد که ما پنجاه هزار دلار بکمیانی ضرر بزنیم متأسفانه تجربه که بنده دارم این است که ما هر چه کمیسر داشتیم نه تنها نتوانستیم آنرا اجرای وظیفه بکنند بلکه همیشه باره تقلبات کرده اند که مضربود است با بودن دولت مرکزی و مراجعه بدولت مرکزی و با بودن وزارت فواید عامه بنده وجود یک نفر نماینده کمیسر نفت شمال زائد میدانم عملی الغرض که ما باید مخصوصاً فوق العاده گریزان باشیم از تعیین یک اشخاصی بنام کمیسر که تمییز و وظائفش چه خواهد بود و حدود و سلبتیش چه خواهد بود

اگر مقصود این است باینکه اختیارات وسیعی داده شود گمان نمی کنم هیچ دولت و مجلس شورای ملی رأی بدهد که اختیارات وسیعی بکمیسر داده شود و تنها چیزی که هست این است که او یک واسطه است بین دولت و کمیانی و این واسطه بعقیده بنده زائد است و خود کمیانی اعضاء و اجزای خیلی دارد که واسطه ما بین او و دولت باشد و محتاج بدیگری نخواهد بود و خودش کار های خودش را انجام خواهد داد و وجود کمیسر اگر ضرر نداشته باشد قطعاً منفعت نخواهد داشت

**سها السطان** - در آن قسمتی که آقای سر دار معظم در باب اختیار کمیسر فرمودند گمان میکنم در کمیسیون این نظر تأمین شده است چنانکه در آخر این ماده ملاحظه فرمائید خواهد دید که نوشته شده است

(کمیسر نمی تواند تعهدی بنام دولت بشناید)

بنابراین از توجه باین قسمت خاطر محترم آقایان مطمئن خواهند شد که کمیسر تا قبلاً از دولت تحصیل اجازه کتبی ننساید نمی تواند اقدام عملیاتی بشناید و به از این

که اشکال این قسمت رفع شد خاطر آقایان را متذکر میباشم که این یک واسطه است و همانطور که فرمودند کمیسر نماینده ایست که از طرف دولت میرود آنجا برای تحقیقات و تفتیشات و ریوریت آنها را بدولت تقدیم مینماید

**سر دار معظم** - لزومی ندارد دوزارت فواید عامه در تهران هست

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای روحی قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده بجای یک نفر کمیسر سه نفر را پیشنهاد میکنم

رئیس - آقای روحی (اجازه)

روحی - بنده معتقدم باینکه سه نفر کمیسر باشد برای اینکه وقتی که سه نفر باشد اینها بهتر میتوانند در تمام موقع به کارهای خودشان رسیدگی کنند و بعلوه در چهار ایالت یک نفر کافی نیست

**سر دار معظم** - چهار تا پیشنهاد کنید

روحی - خیر سه نفر کافی است سه نفر که باشند مواظبتند که کارهاشان را بخوبی از عهده بر آورند و یک نفر کاملاً از عهده بر نمی آید

**وزیر مالیه** - پیشنهاد آقای روحی تصور نمی کنم قبول بشود برای اینکه کمیسر فقط نماینده دولت است برای مذاکرات کلی ولی در یک ماده دیگر بدولت حق هر گونه تحقیق و تفتیش داده شده است و اگر در یکی از مواقع معینه لازم بشود رسیدگی کند بجای سه نفر می نفرمایند هم نمیتواند تفتیش بکند و هیچ مانعی هم ندارد

رئیس - آقایانیکه سه نفر را قائل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای اخگر قرائت میشود

(شرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در سطر دوم ماده ۲۵ (مراجعه) حذف و (راجعه) نوشته شود در سطر آخر کلمه (خواهند داد) چون اشاره بصاحب امتیاز است غلط است و باید نوشته شود خواهد داد

مخبر - این غلط عبارت است

اخگر - بلای عرض کردم اصلاح عبارتی است

رئیس - پیشنهاد آقای دولت آبادی شرح زیر قرائت شد

بنده پیشنهاد میکنم مواجب کمیسر را

دولت ایران بدهد و کمیانی مالی پنجاه هزار دلار بدهد بوزارت فواید عامه

رئیس - آقای دولت آبادی اجازه

**دولت آبادی** - در قسمت نفت جنوب اگر ما مراجعه کنیم می بینیم یک قسمت از مفاسد که تولید شده بواسطه همین قسمت ها بوده زیرا کمیسر پولش را از کمیانی میگرد و خودش را نو کر کمیانی میداند و در این صورت اگر کمیسری که معینه میشود تو کر ایران است باید حقوقش را از وزارت فواید عامه بگیرد تا این معظورات بر طرف شود و ما معتقدیم که کمیسر وجودش لازم است اما چرا مواجبش را از کمیانی بگیرد و خدمت بایران بکند و این پنجاه هزار دلار را کمیانی بدهد بوزارت فواید عامه آنوقت دولت خودش حقوق کمیسر را بدهد و کمیسر به چه وجهی رهن منت کمیانی نباشد

**وزیر مالیه** - اگر عبارت را بخواهند متصور ایشان تأمین شده است زیرا بنویسند (هر سال توسط صاحب امتیاز بدولت ایران عملی که معادل پنجاه هزار دلار باشد از باب حقوق کمیسر پرداخت خواهد شد)

رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد رأی میگیریم باده ۲۵ آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۲۶ مبنایه برای بعد از تنفس

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - ماده ۲۶ مطرح است نسبت باده ۲۶ کسی مخالف است یا خیر؟

**آقا سید یعقوب** - بنده یک پیشنهادی دارم

(آقا سید یعقوب پیشنهاد خود را تقدیم نمودند و بمضمون ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست - بنده پیشنهاد میکنم در صفحه ۲۵ در آخر سطر دوم بدهد از کلمه ثابت الو کاله بین الهالین این کلمه افزوده شود که تیره مسلمه امریکا باشد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

**آقا سید یعقوب** - در این عبارت مینویسد

در صورتی که ثابت شود صاحب امتیاز یا وکیل ثابت الو کاله او در ایران بنده این مسئله را پیشنهاد کردم که در بین الهالین نوشته شود و کبل ثابت الو کاله سکه تیره مسلم امریکا باشد و حالا این را اگر آقای مخبر قبول فرمایند نظر بنده تأمین میشود

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه

بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد رأی میگیریم باده ۲۶

**اخگر** - اجازه فرمائید بنده پیشنهاد دارم

رئیس - پیشنهاد آقای آقا میرزا جوادخان و آقای قائم مقام قرائت میشود

**قائم مقام** - غلط است بدهد بیاورند هوش کم

(پیشنهاد آقای اخگر شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در صفحه ۲۶ سطر دوم عبارت چنانکه در ماده ۲۹ پیش بینی شده است در بین الهالین قرار داده شود **نصرت الدوله** مخبر - منافاتی ندارد میشود پذیرفت

رئیس - آقای عمل الملک هم پیشنهادی کرده اند در سطر ششم ماده ۱۰ تبدیل میشود باده ۱۱ و ماده ۱۹ باده ۲۰ تبدیل خواهد شد

(پیشنهاد آقایان آقا میرزا جواد خان و قائم مقام بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در سطر آخر بعد از لفظ در خاک ایران علاوه شود جواد خوبی - قائم مقام

رئیس - توضیحی دارد بفرمائید

**قائم مقام** - محتاج توضیح نیست صاحب امتیاز خیلی دارائی در امریکادارد آنچه در خاک ایران حقوق و دارائی صاحب امتیاز دارد مجاناً و بلا عوض باید بدولت ایران تعلق بگیرد

مخبر - پشت سر این قسمت توضیح داده شده و مینویسد (مثل اینکه بعد از انقضای مدت طبیعی امتیاز تعلق گرفته باشد) و اشاره شده است باده نوزده که بیست میشود و در آنجا هم این مسئله توضیح داده شده است

**قائم مقام** - پس گرفت

رئیس - رأی میگیریم باده بیست و شش آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد و ایرت کمیسیون تعدید نظر در قانون انتخابات مطرح است

(بمضمون ذیل قرائت شد)

کمیسیون تعدید نظر در قانون انتخابات راجع ببلایه تقدیمی وزارت داخله تحت نمره (۷۵۷۷) که از مجلس شورای ملی بکمیسیون مراجعه شده بود بحد امراضه بقانون انتخابات و مداخله در لایحه مزبور اینطور اظهار عقیده میکند هر چند در قانون انتخابات در مورد اختلاف نظر بین اعضاء اینچنین نظارت راجع با اکثریت نسبی و اکثریت تام تصریحی ندارد لیکن چون عمل عمل شعب بر این بوده است که



خریداری این حق را ما از دست خودمان داده ایم صاحب امتیاز هم منتهی ابواب جمع ما کرده است که چنین حقی بما داده ما هم که پول برای استفاده از آن نداریم لذا باید قانون را طوری بنویسیم که اگر دولت ایران بیک وقت صلاح دانست بعضی از شرکتهای اروپائی از قبیل فرانسوی- هلندی- بلژیکی یا جای دیگر اجازه بدهد این سهام را خریدی کنند صاحب امتیاز نتواند مانع بشود و این حق از دولت ایران سلب نشود و ما حق داشته باشیم اتباع یک دولت غیر هجواریا شرکت به هم و این صدی سی سهامی که بقصد ما تخصیص داده شده است این حق را منظور بداریم که اگر پول نداریم خودمان بخریم اجازه بدیم بدیگران که خریداری مینمایند باشد مخیر - و اگر گذار بنظر مجلس است کمیسیون نمیتواند بپذیرد.

رئیس- آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (مضی از نمایندگان برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای عدال الملک .

(شرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده یازدهم سطر هفده بجای (والا این امتیاز منافی خواهد بود) نوشته شود (والا دولت ایران میتواند این امتیاز را القاء نماید)

عدل الملک - اجازه میفرمائید وقتی دولت تقضیه شرایعی پیشنهاد میشود طرف در صورت تغلف از آن شرایط حق تسخیر و انعام آن قضیه را دارد ولی ملزم نیست و عبارت اخیری مختار است که اصالح این حقش را بکنند یا نکنند برای اینکه بعضی اوقات هست که تغلف از شرط میشود ولی طرف صرفه خودش را در این می بیند که باین حقش عمل نکند مثلا فرض بفرمائید بنده یک اجازه منع می کنم شرطی هم هست حق نسبی هم برای موقع تغلف از شرط هست و تغلف از شرط هم میشود بنده هم بنا بر آن شرط حق فسخ دارم ولی مصالح بزرگتری مرا منع از فسخ میکنند و البته اولی آنست که در اختیار باشد .

بنا بر این گمان می کنم اگر بجای (منفی خواهد بود بنویسم) (دولت میتواند منفی نماید) ترجیح دارد .

(از طرف بعضی نمایندگان - صحیح است ) .

مخیر- این نظر آقای عدال الملک کلیت ندارد .

در بعضی شروط مینظور که میفرمائید اختیار را باید برای موقع تغلف نگاه داشت ولی در بعضی شرایط باید از اول این القاء را مقرر داشت مخصوصاً در جاهای مهم از قبیل قراردادهای امتیاز نامه ها و تعهد ها اینطور میکنند و در این امتیاز نامه این شرط اساسی است که تمام سرمایه باید

بدرست خود کمیانی سببگردد باشد از برای اینکه بدست دیگران نیفتد باین ملاحظه از حالا باید بگوئیم در صورت عدم رعایت این شرط امتیاز منافی خواهد بود و این را نگذاریم یا اختیار اشخاص که شاید نقطه نظرشان غیر از نقطه نظر امروز باشد.

عدل الملک - بنده قانع شدم.

آقا سید یعقوب - پیشنهاد شان را پس گرفتند .

رئیس- پیشنهاد آقای مشار اعظم .

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم از عبارت (روی سهامی که برای دولت و اتباع ایران تخصیص داده میشود) کلمه (دولت) بر داشته شود و این قید فقط بر روی سهامی که اتباع ایران خریداری مینمایند باشد .

رئیس - بفرمائید .

مشار اعظم - بنده توضیحاتم در آن قسمت اول عرض کردم ولی مقصود اینست که در روی سهام دولت قید نکنند و آن عبارت نوشته نشود که این مخصوص دولت است بعلت اخیری سهام دولت آزاد باشد ولی سهام اتباع ایران را باید مقید کرد .

مخیر- اولاً این صدی سی معین نیست چقدرش را دولت میخرد و چقدر اتباع میخواهند بخرند که سهام مخصوصی بپذیرد معنی چاپ بکنند آنوقت بهر کسی که میخواهند معین باشد . سهامی است چاپ میشود یک شکل و یک نواخت با این قید هر کس خرید خرید .

ثانیاً بنده نمی فهمم چه عیب دارد که سهام دولت مقید باشد که نتوان بخارجی فروخت مخصوصاً مقصود ما این بوده است که در سهم دولت هم یک قیدی باشد.

رئیس- آقای حاج عزالملك (اجازه)

حاج عزالملك - بنده مخالفم .

رئیس- با پیشنهاد .

حاج عزالملك - بله رای بگیری .

رئیس- رای میگیرم .

آقایانکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد .

رای گرفته میشود بماده یازدهم تصویب کنندگان قیام فرمایند .

(اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد .

ماده سیزده .

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۱۳ (۱) اصلاح پیشنهادی شاهزاده شیخ الرئیس در باب تصاعد حق دولت از باب منافع اضافی متناسب تصاعد آن منافع از صد یا زنده ببالادد کمیسیون تحت مطالعه در آمده چون نماینده دولت با قبول این اصلاح مخالف بود و آنرا موجب اشکال اساسی و تاخیر انجام امر امتیاز نقطه میدانست لهذا اکثریت افراد

کمیسیون مخصوص امتیاز فقط فقط نیز با اینکه بدست دیگران نیفتد باین ملاحظه از حالا باید بگوئیم در صورت عدم رعایت این شرط امتیاز منافی خواهد بود و این را نگذاریم یا اختیار اشخاص که شاید نقطه نظرشان غیر از نقطه نظر امروز باشد.

عدل الملک - بنده قانع شدم.

آقا سید یعقوب - پیشنهاد شان را پس گرفتند .

رئیس- پیشنهاد آقای مشار اعظم .

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم از عبارت (روی سهامی که برای دولت و اتباع ایران تخصیص داده میشود) کلمه (دولت) بر داشته شود و این قید فقط بر روی سهامی که اتباع ایران خریداری مینمایند باشد .

رئیس - بفرمائید .

مشار اعظم - بنده توضیحاتم در آن قسمت اول عرض کردم ولی مقصود اینست که در روی سهام دولت قید نکنند و آن عبارت نوشته نشود که این مخصوص دولت است بعلت اخیری سهام دولت آزاد باشد ولی سهام اتباع ایران را باید مقید کرد .

مخیر- اولاً این صدی سی معین نیست چقدرش را دولت میخرد و چقدر اتباع میخواهند بخرند که سهام مخصوصی بپذیرد معنی چاپ بکنند آنوقت بهر کسی که میخواهند معین باشد . سهامی است چاپ میشود یک شکل و یک نواخت با این قید هر کس خرید خرید .

ثانیاً بنده نمی فهمم چه عیب دارد که سهام دولت مقید باشد که نتوان بخارجی فروخت مخصوصاً مقصود ما این بوده است که در سهم دولت هم یک قیدی باشد.

رئیس- آقای حاج عزالملك (اجازه)

حاج عزالملك - بنده مخالفم .

رئیس- با پیشنهاد .

حاج عزالملك - بله رای بگیری .

رئیس- رای میگیرم .

آقایانکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد .

رای گرفته میشود بماده یازدهم تصویب کنندگان قیام فرمایند .

(اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد .

ماده سیزده .

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۱۳ (۱) اصلاح پیشنهادی شاهزاده شیخ الرئیس در باب تصاعد حق دولت از باب منافع اضافی متناسب تصاعد آن منافع از صد یا زنده ببالادد کمیسیون تحت مطالعه در آمده چون نماینده دولت با قبول این اصلاح مخالف بود و آنرا موجب اشکال اساسی و تاخیر انجام امر امتیاز نقطه میدانست لهذا اکثریت افراد

حالا با اینکه کمیانی سببگردد باشد از برای اینکه بدست دیگران نیفتد باین ملاحظه از حالا باید بگوئیم در صورت عدم رعایت این شرط امتیاز منافی خواهد بود و این را نگذاریم یا اختیار اشخاص که شاید نقطه نظرشان غیر از نقطه نظر امروز باشد.

عدل الملک - بنده قانع شدم.

آقا سید یعقوب - پیشنهاد شان را پس گرفتند .

رئیس- پیشنهاد آقای مشار اعظم .

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم از عبارت (روی سهامی که برای دولت و اتباع ایران تخصیص داده میشود) کلمه (دولت) بر داشته شود و این قید فقط بر روی سهامی که اتباع ایران خریداری مینمایند باشد .

رئیس - بفرمائید .

مشار اعظم - بنده توضیحاتم در آن قسمت اول عرض کردم ولی مقصود اینست که در روی سهام دولت قید نکنند و آن عبارت نوشته نشود که این مخصوص دولت است بعلت اخیری سهام دولت آزاد باشد ولی سهام اتباع ایران را باید مقید کرد .

مخیر- اولاً این صدی سی معین نیست چقدرش را دولت میخرد و چقدر اتباع میخواهند بخرند که سهام مخصوصی بپذیرد معنی چاپ بکنند آنوقت بهر کسی که میخواهند معین باشد . سهامی است چاپ میشود یک شکل و یک نواخت با این قید هر کس خرید خرید .

ثانیاً بنده نمی فهمم چه عیب دارد که سهام دولت مقید باشد که نتوان بخارجی فروخت مخصوصاً مقصود ما این بوده است که در سهم دولت هم یک قیدی باشد.

رئیس- آقای حاج عزالملك (اجازه)

حاج عزالملك - بنده مخالفم .

رئیس- با پیشنهاد .

حاج عزالملك - بله رای بگیری .

رئیس- رای میگیرم .

آقایانکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد .

رای گرفته میشود بماده یازدهم تصویب کنندگان قیام فرمایند .

(اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد .

ماده سیزده .

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۱۳ (۱) اصلاح پیشنهادی شاهزاده شیخ الرئیس در باب تصاعد حق دولت از باب منافع اضافی متناسب تصاعد آن منافع از صد یا زنده ببالادد کمیسیون تحت مطالعه در آمده چون نماینده دولت با قبول این اصلاح مخالف بود و آنرا موجب اشکال اساسی و تاخیر انجام امر امتیاز نقطه میدانست لهذا اکثریت افراد

سهم دولت نوشته مبدل بحق دولت میشود در سطر چهارم (هرگاه منافع اضافی ما بیش شصت و هفتاد و پنج درصد از سرمایه مصروفه باشد سهم دولت ۰۰۰) می شود (حق دولت صدیست و یک از منافع خالص) باز همان صفحه سطر نوزدهم ۰۰۰

رئیس - خوب بهمین ترتیب اصلاح میشود هر جا لفظ (سهم) هست به (حق) تبدیل میشود .

آقایانی که ماده سیزده را با تبدیل لفظ (سهم) بلغظ (حق) در تمام مواضع قبول میفرمایند قیام فرمایند .

(اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس تصویب شد پیشنهاد آقای سردار معظم قرائت میشود .

(شرح آتی خوانده شد)

بساحت محترم مجلس شورای ملی در این موقع که بوجه هم از طرف دولت بکمیسیون بوجه ارسال شده است و کمیسیون مشغول مطالعه در آن است پیشنهاد ذیل را بر عرض نمایندگان محترم میسرانم .

چنانچه نمایندگان محترم مسبوق هستند بوجهائی که تنظیم و تدوین شده است .

از نقطه نظر ادارات و مؤسسات موجود بود و عواید مملکتی ما باینهمان ادارات تقسیم شده است در صورتی که هر کسی بوشیده نیست که تمام ادارات از حیث اهمیت و احتیاجات مملکتی در عرض هم نبوده و برای ترقی مملکت لازم است که نسبت به بعضی از آنها توجه بیشتری میندول گردد و این مقصود را البته در ضمن تدوین و تهیه بوجه باید تأمین کرد .

اگر مجموع مخارج مملکتی در نظر گرفته شود باید تصدیق نمایم که بعضی از آنها مخارجی است که خودداری از آنها صدمه مستقیم بر ترقی و آبادی مملکت رسانده و بعضی از آنها در درجه دوم از لزوم واقع خواهند بود .

البته هیچکس لزوم مصارف و مخارج قواء تأمینیه مملکت را در ردیف حکامی و وظیفه و حدود مسئولیت و اختیارات قرار نداده و با حفظ الصحه و تعلیمات عمومی و ساختن راهها را در قبال تأسیسات ناقص قضائی نخواهد گذارد اگر بغواهی مصارف مملکتی را بترتیب الاهم فالاهم تشخیص دهیم باید معتقد به نمره ترتیب ذیل بشویم .

(۱) قبلاات خارجی مملکت از قبیل قروض و سایر قبلاات مالی .

(۲) قواء تأمینیه اعم از قشون و نظمی .

(۳) حفظ الصحه عمومی .

(۴) تعلیمات عمومی .

(۵) راهها .

(۶) اصلاحات فلاحتی .

(۷) مخارج مجلس شورای ملی دربار .

ریاست و وزراء و مستشاران آمریکائی و وظایف

مخارج پیش بینی نشده .

(۸) سایر مصارف مملکتی در حدود عواید موجوده .

اهمیت قوه اول و دوم نمره ترتیب مصروفه محتاج بذکر نبوده در باب فقره که حفظ الصحه عمومی است لازم است که چند کلمه گفته شود .

بر کسی پوشیده نیست که شرط حتمی صورتیکه ترقی مملکت از او بگذرد آنست در متأسفانه که مملکت شدت مرگ و میر و امراض مختلفه که خورد و بزوک این مملکت را از بین میبرد بوجهی است که سکنه ایران سال بسال در تزیاد نبوده بلکه در نقصان است .

عدا اطفال ایرانی که همه ساله از آبله و سایر امراض تلف میشوند بقدری زیاد است که انسانز مرتش میشاید .

اگر چه ما معتقد هستیم که سکنه ایران سی کرور است ولی هیچ نوع مدرکی برای اثبات این ادعا در دست نیست و حقیقه سکنه ایران وسیع خیالی گمتر از این است .

در صورتیکه همین ایران که سال سال در خود سکنه خیلی پیش از حاله را دیده و استعداد گنجاندن ده مقابل سکنه حاله را دارد .

کسانی که مختصر آشنائی با اوضاع حفظ الصحه خارج از تهران و زیاد مرگ و میر خورد و بزوک از امراض مختلفه دارند این عقیده را تصدیق خواهند کرد .

بنابر این لازم است که مجلس شورای ملی در وقت توجه مخصوص به حفظ الصحه عمومی مبدول نموده و وجبات حفظ اهالی مملکت و مخصوصاً اطفال را از مرگ تهیه نماید .

معلوم است که اعتباراتی که برای حفظ الصحه عمومی منظور میشود نباید صرف اداره سازی و حقوقهای بیصرف باشد بلکه باید در اصل حفظ الصحه عمومی مصروف گردد .

فقره چهارم نمره ترتیب مخارج و مصارف مملکتی اگر چه محتاج به توضیح نیست .

مهذا لازم است چند کلمه اظهار شود که اگر اعتباراتی که برای تعلیمات عمومی مملکت منظور شده و میشود بطرز حاله به صرف برسد هیچ نوع نتیجه از آن حاصل نخواهد شد .

زعیم - بلندتر بفرمائید .

آقا میرزا شهاب - از این هم بلندتر؟

پچشم .

نه تنها اوضاع معارف در ولایات فوق العاده منشوش و درهم بوده و در اغلب قاطا قلت حقوق معلمین شرم آور است بلکه اوضاع معارف مرکز هم در ضایع بخش نیست در ولایات معلیمی وجود دارند که ماهی پنج تومان و هفت تومان حقوق دریافت مینمایند مسلم است که باین حقوق

هیچ معلم حسابی و هیچ آدم پاسوادی حاضر برای خدمت و کار کردن نخواهد بود و بالتبعیجه مقام مهم معلمی را کسانی اشغال میکنند نه تنها قادر بر تربیت اطفال نیستند .

بلکه بافت فساد اخلاق بزرگان حوزه مأموریت خود شده و برای پیدا کردن اضافه عایدات سبباً اکثر آتش یک ها و اغتشاش محل خود میگردانند .

کمی حقوق و بی ترتیبی پرداخت حقوق معلمین مرکز نیز سکنه فوق العاده بکار معارف وارد کرده و مینمایند .

تشکیلات معارف ما پدیدبخانه بیشتر صوری بوده و فقط برای قلمداد کردن عده مدارس است مختصر توجهی بمدارس ولایات که اغلب اسم بی مسامتی بیش نیستند و حتی مدارس مرکز این حقیقت را ثابت خواهد نمود عده مدارس متوسط تهران وعده شاگردانی که در آنجا تحصیل مینمایند یکی از دلایل قوی اثبات این مدعا است .

بنابر این لازم است که در موقع تهیه و تدوین بوجه معارف .

اولاً حقوق معلمین اضافه شود که بوسیله از دیاد حقوق بشود ناهم برتری را برای خدمات معارف جلب نموده .

ثانیاً به کمیت مدارس اهمیت نداده بیشتر به کیفیت مدارس بذل توجه شود و در عرض مدارس متوسطه که هر کدام بیش از پنجاه شصت شاگرد دارند مدارس متوسطه که بتوانند سیصد چهارصد شاگرد تعلیم دهند تشکیل داده صرفه جوئیهای حاصله را به صرف اصلاحات دیگر برسانند .

ثالثاً نظریاتی که مملکت ایران محتاج با اطلاعات و صنایع اروپائی است باید وزارت معارف در ضمن بوجه خود هر سالی مخارج اعزاز یک عده شاگرد فارغ التحصیل از مدارس ایرانی را با اروپا نموده و تحصیلات آنان را در تحت نظارت مستقیم خود قرار دهد نظر تطبیق بوجه اینجانب تصور میکنم که اگر سالی بیست نفر شاگرد با اروپا اعزام گردد متناسب بناله مملکت خواهد بود باین معنی که اگر دوره تحصیلات شاگردان اعزام شده .

راحد وسطاً هشت سال بگیریم باید بترتیب ذیل مخارج آنان در بوجه پیش بینی شده سال اول مخارج بیست نفر تقریباً ۲۰۰۰۰ تومان

سال دوم مخارج چهل نفر تقریباً ۴۰۰۰۰ تومان

سال سوم مخارج شصت نفر تقریباً ۶۰۰۰۰ تومان

سال چهارم مخارج هشتاد نفر تقریباً ۸۰۰۰۰ تومان

سال پنجم مخارج صد نفر تقریباً ۱۰۰۰۰۰ تومان

سال ششم مخارج ۱۲۰ نفر تقریباً ۱۲۰۰۰۰ تومان

سال هفتم مخارج صد و چهل نفر تقریباً ۱۶۰۰۰۰ تومان

سال هشتم و نهم سنوات بعد صد و شصت نفر تقریباً ۱۶۰۰۰۰ تومان

را بیا باید وزارت معارف در تهیه معلمین کافی نهایت جدیت را بعمل آورد کسانی که با اصول پداگوژی آشنایی ندارند و مخصوصاً برای معلمی حاضر نشده اند نمیتوان داشت .

خاصاً باید بر گرام تحصیلات در مدارس مملکت تصحیح و مرتب شده و اضافات بی نتیجه حذف و پر گرام عملی تهیه شود و ورزش بدنی و اجباری در تمام مدارس بموقع عمل گذارده شود زیرا که بقول معروف روح قوی در بدن قوی است .

فقره پنجم که ساختن راهها باشد برای ترقی اقتصادی و تجارت مملکت نهایت لزوم و اهمیت را دارد و مخصوصاً مملکت ما بواسطه وسعت خاک و کمی جمعیت نهایت احتیاج را بساختن راه ها دارد

در صورتیکه متأسفانه فعلاً تمام راه ها خراب و غیر قابل استفاده میباشد ولی البته باید دولت در نظر داشته باشد که راه را نمیتوان یکی از منابع عایدات قرار داد و بواجهای گزافی که قلاز راهها اخذ میشود صدمه بزرگی ب تجارت و مراودات مملکت میرساند .

اصولاً میتوان گفت ارزانی وسایل ارتباط از قبیل قلیلهای باج راهها و ارزانی گرایه وسایل قلیله .

ارزانی مخاریات تلگرافی و قیمت محمولات یستی باین نتیجه اسباب از دیاد تروت و ترقی مملکت است .

فقره ششم پیشنهاد اینجانب لزومی تشویق فلاحت است زیرا که مملکت ایران تا سال های متمادی متصرفاً مملکت فلاح بوده و حتی تجارت مملکت هم تجارت فلاحتی است و بنا بر این ترقی اقتصادی مملکت متناسب مستقیم با فلاحات دارد

البته برای ترقی و تشویق فلاحت غیر از اعتبارات مادی وسائل دیگری نیز باید مالکیت بواسطه اعتبار و روزمان در تصرف املاک و تجدید حدود و تسجیل املاک و تعیین تکلیف مالیات اربابی و خالصجات انتقالی بوسیله میزب و امثال این است ولی در همان حال باید دولت اقدام در وارد کردن ادوات جدید فلاحتی و بستن سد ها برای تویه آب و جلوگیری از آفات فلاحتی و حفظ احشام بشمارد

اقلام مخارجی که ذکر شد اقلام مخارج بهره رده مملکت است

بنا بر این بر سایر مخارج مملکتی حق تقدم را دارند .

توضیحات راجع باقلام خرج دیگر چندان محل احتیاج نیست .

شیخ محمد علی طهرانی - آقا آقا



ولی ادارات دولتی البته مکلفند  
بتمام عرضها دقت و دماله نمایند  
بنابر این باید در رتبه و در مقدمه  
کار وساطتی ایجاد کرد که اصلاح رتبه‌های  
بی مورد کمتر زده شود و آنکسی که  
میخواهد عرضحال بدهد یا حرفی بزند  
بهاوی خودش سنجشی کند پسند آید  
آن حرفی را که میخواهد بزند بقدر  
دو قران ارزش دارد پانه.  
اگر دید ارزش ندارد عرضحال  
نهدد و از خیال خودش منصرف شده  
و تعقیب نکند.  
من منکر نیستم البته در ضمن یک  
اشخاصی هم پیدا میشوند که مورد تعدی  
بقران و پانزده شاهی واقع شده باشند  
ولی باید مسئله بطور کلی باشد.  
وقتی که فلان شخص دید برای  
پانزده شاهی باید دو قران پول ببرد  
دیگر تعقیب نمیکند و میروند بی کارش.  
بنابر این الصاق تمبر دو قرانی برای  
کم کردن حرف مفت که باین نتیجه برای  
تأمین و تهیه وسائل احتیاق حق مردم  
است و این تحبیلی نیست که بر مردم بشود  
و منحصر بقراء هم نیست که نام قرار  
بیرم و نباید گفت که اینهم چیز تازه است  
پاره‌ای ادارات دولتی هم الان این مسئله  
را معمول کرده اند.

خواسته بودم.  
رئیس - این اجازه ها که بنده  
میخوانم راجع بدوازدهم سرطان است.  
آقای دولت آبادی -  
(اجازه)  
آقای دولت آبادی - بنده با یک  
قسمت از مطالبی که در این لایحه نوشته  
شده است موافقم و باینکه قسمتش مخالفم  
این فرمایشاتی که بعضی از آقایان  
کردند راجع بلزوم الصاق تمبر برایش  
بنظر بنده تماش منطقی نیست.  
مخصوصاً آنطوری که شاهزاده  
بیان کردند راجع بر درمان دوردست‌از  
ولایات و از مرکز.  
زیرا ما نگاه میکنیم می بینیم کار-  
هایی که در وزارتخانه ها میگردد دو  
قسم است.  
یک قسمتش راجع باشخاص متول  
و اعیان و مردمان طبن اول است که این  
قسمت کارها اغلب با تلفن روی سیز وزیر  
میگردد و دیگر عرضحال لازم ندارد.  
عرضحال مال زیر دست بیچاره  
است در این صورت بنده نسبت بعرض  
حاله‌ها مخالفم.  
ممکن است به تصدیقنامه ها مفاصا  
حسابها تمبر بچسباند و عیبی هم ندارد  
ولی عرض حال ها مال ضعیف و فقیر است  
این یک عیب بزرگی است و عیب خیلی  
بزرگتری هم دارد و آن این است که  
راه داخل را زیاد میکند قرطاس بازی  
را بیشتر میکند اسبابی فراهم می آورند  
که دو قران زیاد تر شود و روی هم برود  
ما نباید فراموش کنیم وضعیت حاضر  
وزارتخانه ها را اگر ادارات منظم  
شود اگر وزارت خانه ها مان حسن  
جریان پیدا کند و آنطوری که مبیاست  
تنظیم بشود دیگر قرطاس بازی را  
بر طرف میکنند و این شدت و تکرار  
عریضه نگاری برای این است که مورد  
جریان خودش نیست.  
اما کار وقتی جریان افتاد عریضه  
ها کم میشود.  
چای ندارد مردم از راه دور بلند  
شوند بیایند عریضه بدهند.  
اینست که عرض میکنم افلا لفظ  
عرضحال ها از توی این لایحه برداشته  
شود و آن کان لاید که باید باشد فقط به  
شهرها اختصاص پیدا کند نه به قراء  
و دهات.  
مخبر - خیال میکنم تجزیه راجع  
میشود به پس از ختم شورکلی و ورود  
در مواد.  
فلاشور در کلیات است وقتی داخل

در مواد شدید تجزیه کنیم.  
(جمعی اظهار نمودند - مذاکرات  
کافی است)  
رئیس - مذاکرات کافی است ؟  
(بعضی گفتند کافی است و بعضی گفتند  
کافی نیست)  
رئیس - آقای عظیمی  
(اجازه)  
عظیمی - بنده عرضی نداشتم.  
رئیس - در دوازدهم سرطان  
استان ثبت شده.  
آقای شریعت زاده.  
(اجازه)  
شریعت زاده - موافقم.  
رئیس - بفرمائید.  
شریعت زاده با توضیحاتی که از طرف  
موافقین شده است از دو نقطه نظر قبول  
این لایحه لازم است  
یکی از این نقطه نظر که حقیقتاً شکایات  
و تقاضا نامه‌ها که بوزارت آنها میرسد  
اغلب زاید و بی مورد است و آنها اینکه در  
ادارات کار کرده اند میدانند که صد  
یکش...  
مکالمات - آقای بلند تر بفرمائید  
نمی شنوم تشریف بیاورید پشت تریبون  
شریعت زاده (در محل نطق) عرض  
کردم مخالفی که آقایان کردند مفاداً  
حاکمی بوده باینکه عرض حالها و شکایات  
نامه ها و تقاضا نامه‌ها غالباً از قرا صادر  
میشود اساساً نقطه ضعیفی که محل توجه  
آقایان بود این بود که نباید قانونی وضع  
کرد که بقرا فشار بیاید البته این یک  
اصولی است که همیشه منظور نظر مقامات  
قوم اجتماعی باید بوده باشد که اجرای قوانین  
منتهی بقشار آوردن یک ضعیف مخصوص  
نشود و البته آقایان تصدیق میفرمایند  
که اگر مطلب غیر از این باشد محل  
اشکال نیست

اجرای مصالح این مملکت عایداتی پیدا  
کند و علاوه ضرر بولی این قانون هم  
اگر ملاحظه بفرمائید.  
بترتیبی است که فقط باید یک عرض  
حال تمبر بچسباند باین معنی که اگر کسی  
یک شکایت نامه داد و بجائی منتهی نشد و  
نتیجه نگرفت در تعقیب آن میتواند  
بدون الصاق تمبر شکایت خودش را بکند  
و امروز هم در ادارات قضائی معمول است  
که وقتی کسی شکایت کرد و پول تمبر داد  
دیگر هر چه بخواهد بنویسد پول تمبر و  
مالیاتی از او گرفته نشود و نقطه نظر  
آقایان محفوظ است.  
رئیس آقای امیر حشمت  
(اجازه)  
امیر حشمت - نظر باینکه در قسمت  
الصاق تمبر بعرض حال ها وزارت مالیه  
مقصودش جلوگیری از تکرار عرض حال  
و حجب نشدن دوسه ها است.  
بنده تصور میکنم که سرعت جریان  
امور و حسن اداره این نظر را بهتر تأمین  
میکند اگر متظلم در یک مرتبه که عرض  
حال با ادارات دولتی میفرستد اگر یک  
جواب منتهی اعم از لا و نم باو بدهند و  
تکلیف او را معین کنند دیگر متظلم حاضر  
نمیشود تکرار عرض حال کند و وقت  
خودش را ضایع کند در قسمت کاغذ نویسی  
و تلگراف کردن را متحمل میشود.  
و دیگر اینکه مثلا اگر یک نفر پنج  
شاهی یا یک قران پول نواقل با واجبات  
شود آنوقت اگر برای یکقران یا پنج  
شاهی نواقل عرض حالی ندهد و متظلم  
نکند ممکن است این تکرار پیدا کند و  
روزی مبالغی از این راه بر مردم تعدی  
شود و اگر چنانچه بخواهد عرض حال بدهد  
و تعقیب کند باینست - دو قران پول تمبر  
بدهد.  
بنده عرض میکنم بچه مناسب باید  
بدهد ؟ دلیل ندارد و در یک موقتی گذر  
درد دنیا تمام محاکمات مجانی شود این نوع  
تعدی نسبت بر مردم بشود در تحت فشار  
باشند مثلا یک کسی در ماه پنج شاهی  
یا یک قران پول آب میدهد حالا اگر  
بلدی باین شخص آب نداده و درخواست  
عرض حال بدهد آنوقت باید در دردمه  
که متظلم میکند دو قران پول تمبر بدهد ؟  
این نواقلی که در همین شهر گرفته  
میشود بنده می بینم بعضی از آقایان می  
فرمایند دردها خوب است نباشد و در  
شهرها باشد.  
بنده عرض میکنم این نواقل گرانی  
که امروز این شهر میدهد و تماماً از یک  
قران و دو قران و پنج شاهی جمع آوری  
میشود چطور ممکن است که یک تحبیل

دیگر هم بر مردم بیک راه تعدی واجباتی  
برای مامورین نواقل قائل  
بشویم و بنده فقط باصمت تمبر عرض حال  
عدلیه موافقم و آنچه برای این است که  
در موقع خسارت از طرف مقابل گرفته  
میشود و با این قسمت تقاضا نامه‌ها مخالف  
نیستم برای اینکه ممکن است تقاضا نامه  
بدهد برای ترفیع رتبه در این صورت  
دو قران پول تمبر بدهد و ضرری ندارد  
ولی یک قسمت هم راجع بتصدیق نامه‌ها  
است مثلا یک کسی يك دعوی ببنجهاری  
یا يك تومانی در عدلیه دارد و محتاج میشود  
که از يك اداره يك تصدیق نامه برله  
خودش بیاورد آیا باید برای يك پنج  
هزار یا يك تومان هر دقعه دو قران پول  
تمبر بدهد ؟  
بنا بر این بنده با این قسمت که تمبر  
عرض حال ها و مسئله تصدیق نامه‌ها و  
مفاصا حساب ها باشد مخالفم و معتقدم که اگر  
مفاصا حسابها و وجهش از بیست و پنج تومان  
کمتر باشد باید حق گرفتن پول تمبر  
نداشته باشند و اگر زیاد تر شد و لازم  
دانستند مختارند بگیرند و بنده هم مخالف  
نیستم.  
(جمعی از نمایندگان - مذاکرات  
کافی است)  
(بعضی دیگر - کافی نیست)  
رئیس - رای میکنیم بکفایت  
مذاکرات.  
مخبر اجازه میفرمائید قبل از آنکه  
رای بکفایت مذاکرات داده شود یاد آید  
نشود در کلیات باید يك نکته را عرض  
کنم از اعتراضاتی که شد معلوم میشود  
که کلیه اعتراضات متوجه بالصاق تمبر به  
عرض حالها است.  
(همه بین نمایندگان)  
مخبر - بالاخره بعضی فقراتی  
است که در ماده يك هست و پس از رای  
دادن و ورود در کلیات خود بنده هم با نظر  
آقایان موافقت میکنم که يك طریقی  
اصلاح شود.  
بنا بر این بعقیده بنده در کلیات  
مذاکرات کافی است و خوب است داخل  
شور در مواد شویم در مواد اگر اصلاحاتی  
لازم هست بشود مانعی ندارد.  
رئیس - گویا آقای سانی با کفایت  
مذاکرات مخالف بودند  
یاسائی - بلی اگر بنا شود موضوعیت  
سوء ادارات را در نظر بیاوریم  
رئیس - داخل در اصل مطلب  
نشود.  
یاسائی - وارد نشویم  
پیش شکایات متوجه پانه‌ها است و

بنده عقیده ام این است که این برخلاف  
اصل بیست و پنجم قانون اساسی است که  
میگوید اشخاص حق تعرض بتمام مأمورین  
دولت باستثناء وزراء دارند و بعقیده بنده  
حالا ما بدون دقت و امان نظر رای می  
دهیم بلزوم الصاق تمبر بعرض حالها و  
تقاضا نامه‌ها و گمان می کنم مخالف قانون  
اساسی باشد.  
رئیس رای میکنیم بکفایت مذاکرات  
آقایانی که مذاکرات را کافی می  
دانند قیام فرمائید.  
(اغلب قیام نمودند)  
رئیس معلوم میشود کافی است.  
در این موقع بعضی از نمایندگان  
اجازه خواستند )  
رئیس هنوز ماده فرائض نشده بی خود  
اجازه نگیرید.  
دست غیب - دخول در مواد  
رای می خواهد ؟  
رئیس قدری تأمل فرمائید پیشنهادها  
قرائت شود  
دست غیب معذرت میخوام  
(دو نفر پیش نهاد بضمون ذیل  
قرائت شد)  
مقام محترم ریاست مجلس شورای  
ملی بنده پیشنهاد میکنم لایحه عرض  
حال مراجعه بکمیسیون مالیه شود احتشام  
الحکماء  
بنده پیشنهاد میکنم این لایحه بر  
بکمیسیون گردد اصلاحات شود و باید  
بمجلس دولت آبادی  
رئیس هنوز شما ایرادی نکرده در  
ضمن مواد اگر اصلاحاتی دارید  
بفرمائید  
حاج عزالملك بنده با این پیشنهاد  
مخالفم.  
مخبر - بعقیده بنده این مطلب محتاج  
برای نیست زیرا مطالب دوشور دارد و باید  
در مواد حرف زد  
و تئیکه نظر مجلس معین شد به  
کمیسیون میرود و البته مطابق نظر کمیسیون  
اصلاح خواهد شد چون هنوز شور نکرده  
اند و اعتراض نشده در این تقاضای ارجاع  
کمیسیون مورد ندارد  
رئیس آقای دولت آبادی پیشنهاد  
را مسترد میکنید یاری میکنیم.  
دولت آبادی مسترد میکنم.  
رئیس رای میکنیم برای شوردر  
مواد . آقایانی که شوردر مواد را تصویب  
میکند قیام فرمائید  
(عده قلیلی قیام نمودند)  
رئیس لایحه در شد.  
لایحه الصاق تمبر بلیطهای نایش  
گاهها مطرح است . مذاکرات راجع

بکلیات است  
آقای دولت آبادی  
(اجازه)  
ملك الشراء آقا بفرمائید قرائت  
شود.  
(بضمون ذیل قرائت شد)  
ماده ۱ از بلیط های ورودی بمجلس  
ذیل در صورتیکه حق ورود دریافت شود  
اعم از اینکه بلیط های ورودیه برای يك  
یا چند جلسه با بطور دائم باشد حق تمبر  
ماخوذ میشود  
(۱) کلیه مجالس نمایش و تفریح  
عمومی (ب) نمایشگاههای صنعتی و امثال  
آن (ج) کلیه کنفرانسها (د) نمایشگاه  
های ورزش و مسابقه  
ماده ۲ - حق تمبر از روی ماخذ  
ذیل نسبت بقیمت بلیطها و ردیه ماخذ  
میشود.  
تا یکتومان از هر دو قران و کسورات  
یکشاهی .  
علاوه از يك تومان الی سه تومان  
از هر قران و کسورات آن یکشاهی .  
علاوه از سه تومان ده يك قیمت بلیط  
ماده ۳ - معادل حقوقی که مطابق ماده ۲  
ماخوذ میشود تمبر بر بلیط الصاق خواهد شد .  
ماده ۴ - هر گاه بر بلیطی کمتر از  
آنچه که بر طبق این قانون معین شده  
است تمبر الصاق شود مرتب از طریق  
اداری تعقیب و پس از ثبوت تقصیر در مقابل  
قیمت تمبر ماخوذ خواهد شد  
ماده ۵ - پس از کسر مخارج وصول  
نصف عایدات حق تمبر که بموجب این  
قانون ماخوذ میگردد بیلدی محل تخصیصی  
و نصف دیگر در حساب عوائد مملکتی  
منظور خواهد شد.  
رئیس آقای دولت آبادی  
(اجازه)  
دولت آبادی - بنده در قسمت اول  
این لایحه عرضی ندارم ولی در قسمت  
های بعد که راجع بکنفرانسها و مطالب ملی  
که هنوز متأسفانه در مملکت ما هیچ سابقه  
ندارد مخالفم که کسی برای حضور ورود  
کنفرانسها و مجامع علمی پول بدهد.  
اولا خیلی طول دارد تا يك سه چوب  
چیزهایی در مملکت ماصورت خارجی پیدا  
کند .  
چنانچه بکی دودقه امتحان کردیم و  
دیدیم کسی حاضر نشد که در کنفرانسهای  
علمی و ادبی حاضر بشود و پول بدهد از این  
جهت گمان میکنم همان قسمت اول کافی باشد  
و در قسمتهائی که مربوط بکنفرانسها است -  
حالا بی مورد است و خوب نیست  
و گمان میکنم اگر این ترتیب علمی  
شود مردم را از حضور در کنفرانسها تفر  
حاصل کند .

رئیس آقای یاسائی  
(اجازه)  
یاسائی - بنده مخالفم و اظهارات  
بنده را آقای دولت آبادی بیان فرمودند  
رئیس - اینجا اسم شما جز مواظقت ثبت  
شده است  
یاسائی - خبر بنده مخالفم  
مخبر این اعتراض که آقای دولت  
آبادی فرمودند بنظر بنده وارد نیست زیرا  
ما خواستیم مقید کنیم که حتماً از ورود  
بکنفرانسها حق دریافت شود  
اینجا نوشته شده است از بلیطهای ورودی  
بمجلس ذیل و تصور میکنم حق ورود  
در باقت باشد اعم از اینکه بلیطهای ورودیه  
برای يك یا چند جلسه با بطور دائم باشد حق  
تمبر ماخوذ میشود  
منصوب این است که اگر حق ورودی  
در باقت شد بکسی هم بدولت داده شود والا  
اگر حق ورود گرفته نشود دولت هم  
توقمی ندارد .  
علاوه این قانون که برای امروز نوشته  
نمیشود برای مدت متدای است فرض کنید  
در آتی مواد پیش آمد که کنفرانسها  
زیاد شد و بلیطهای ورودی فروخته شد اگر  
اینطور شد از آن بلیط فروخته شده يك سهمی  
دولت خواهد گرفت والا هیچ  
رئیس - مذاکرات کافی است  
محمد هاشم میرزا شایخ الرئیس - خبر کافی  
نیست .  
رئیس - نوبت شاهزاده باین زودی  
رای گرفته میشود بکنا - مذاکرات آقایانیکه  
مذاکره و آقایان میدانند قیام فرمائید کثیری  
برخواستند  
رئیس معلوم میشود مذاکرات کافی است  
ها نبرد  
رای میکنیم برای شوردر مواد  
آقایانی که تصویب می کنند قیام  
فرمائید .  
(اگر نماینده کان قیام نمودند  
رئیس - تصویب شده ماده اول قرائت می  
شود .  
(شرح ذیل خوانده شد)  
ماده ۱ - از بلیطهای ورودی بمجلس  
ذیل در صورتیکه حق ورود دریافت شود  
اعم از اینکه بلیطهای ورودیه برای يك  
یا چند جلسه با بطور دائم باشد حق تمبر  
ماخوذ میشود  
(۱) کلیه مجالس نمایش و تفریح  
عمومی .  
(ب) نمایشگاههای صنعتی و امثال آن  
(ج) کلیه کنفرانسها  
(د) نمایشگاه ورزش و مسابقه  
رئیس - آقای آقا سید یعقوب  
(اجازه)  
آقا سید یعقوب موافقم  
رئیس - آقای آشتیانی  
(اجازه)  
آقای میرزا هاشم آشتیانی - بنده  
مرضی ندارم  
رئیس آقای دامغانی  
(اجازه)  
شریعت زاده دامغانی - بنده در اخذ مالیه  
از بلیط نمایشگاهها موافقم

زیرا البته بدیهی است اشخاصیکه  
بناشگاههای عمومی حاضر شوند پس از  
فراغت از مواد اصلی زندگانی است کسی  
که برای تفریح بناشگاه می رود قطعاً از حیث  
زندگانی راحت و آسوده است  
رئیس آقا موفقیق  
شیرمستدار دامغانی در این قسمت موافق  
ولی در بقیه قسمت ها مخالف  
رئیس آقا موفقیق  
رئیس آقا موفقیق  
داود بنده مغانم  
رئیس آقا اشکر  
(اجازه)

اشکر - قانونی که در ملک وضع  
می شود نباید نگاه کرد بموقعتهای فعلی  
آن بلکه باید کلیت داشته باشد شامل همه  
اوقات بشود  
اولاد اینجامعین نشده است که اخذ  
این حق ها اجازه کی خواهد بود  
چه ممکن است بعد از آنکه مجلس تصویب  
کرده که این هواند گرفته شود آن حقوق  
هم دریافت شود  
امثال و نظائر این قضایا راما  
خیلی دیده ایم  
خیلی چیزها است که مجلس تصویب  
نکرده است مع ذلک گرفته میشود  
این یکی را هم مراجعه کنند بآنها و  
بالاخره مذاکره در اینجا شد بنده را  
فانع نمیکند که نمودم را حاضر برای تصویب  
چنین مالیاتی بکنم  
برای اینکه ملت دودنیا همیشه محتاج  
به نمو و ترقی است اینکه یکی از آقایان  
فرمودند کسیکه می رود بتفریح و تفریحگاه از  
اعراضند گاهی راحت است اینطور نیست ای  
بسا اشخاصیکه رفح کسالت محتاج تفریح  
هستند  
بعلاوه این موضوع منحصر بتفریح تنها  
نیست و مخصوص بموسم چیزهایی است که  
برای ترقی و ملت لازم است مثلا تفریحگاه  
های صنعتی برای تفریحات صنعتی یک ملک  
فوق العاده لازم است  
هینطور کنفرانسه که برای باز شدن  
افکار مردم داده میشود و ورزشهای بدنی و  
مسابقه که برای تقویت قوای روحی و بدنی  
اشخاص ایجاد شده  
اینها چیزهایی نیست که مبادرت آن  
حکما داور مدار این است که امور پیشی  
و ژندگانی انسان منظم شده باشد و بنده  
تصور میکنم آقایان و کلامه بزمرد را بیان  
قبیل قضایاییکه موجبات ترقی ملتی را فراهم  
می آورد تشویق و ترغیب کنند و ترویج این  
مثلا تفریحگاهها و صنعتی و علمی و ادبی و  
صلیات ورزشی و مسابقه و از این قبیل  
اینها یک چیزهایی هستند که باید  
ترویج شود  
از این جهت بنده مخالفم که مالیاتی بر  
اینها وضع شود در است که باید عایدات  
برای ملکت پیدا کرد و البته مخارج  
دولت بدون حصول عایدات ممکن نیست ولی

عایدات را فقط از نظر اینکه باید پولی بیدار  
خرج کرد نباید بدست آورد بلکه باید فکر  
این راهم کرد که در تحصیل عایدات يك  
مضرات فوق العاده تری برای ملکت مترتب  
نشود و الا اگر مقصود تنها پیدا کردن  
عایدی ملکت است بهر وسیله که باشد هر چه  
پول در ملکت است همه را جمع کنند و خرج  
نمایند مالیاتهایی که وضع میشود باید اولاً و  
بالات بر سرمایه وضع شود نه بر يك  
کارهایی  
ثانیاً بر این نوع کارها و بناشگاههای  
صنعتی و کنفرانسه ها و لیات ورزشی که برای  
ترقی روح ملتی لازم است نباید مالیات وضع  
شود و ولین گلمه حق ورود بهیچ وجه بنده  
را قانع نمیکند زیرا بمجرد اینکه این  
مالیات تصویب شد ممکن است حق ورودش  
را هم بگیرند  
رئیس آقا سید یعقوب  
(اجازه)

آقا سید یعقوب - فرمایشاتی که آقای  
اشکر فرمودند با وضع این مالیات منافات  
دارد برای اینکه در حقیقت این وضع مالیاتی  
نیست  
بدلیل اینکه وقتیکه درست وقت کنیم  
می بینیم که در واقع تأسیس این امر برای  
ترتیب و تنظیم ادارات است  
همه چیزهای ما باید بدست ما مرتب شود  
شیرینی یا سوز و اشک که در همه مشروطه  
هستیم آنوقت هر قانونی که برای ترتیب امور  
اداری مان پیش نهاد میشود مخالفت میکنیم  
مثلا همان لایحه که فعلاً در دست (گرچه  
بنده نمیخواهم از چیزی که گذشته عرض  
بکنم) ولی اگر تصویب شود  
کسیون هم رایش و مجلس خیلی راحت  
تر میشوند و همینطور ادارات دولتی  
راحت میشوند  
بملتی که باید اثره ترقی میکند نامی  
شود گفت همه چیز خوب است ولی سر  
نمیخواهد دم نیخواهد  
آقای اشکر تصدیق فرمودند که باید  
نمایشگاه داشته باشیم ولی دولت هم باید  
حق ورود دریافت کند تا آن تیار و باز بگر  
خانه مرتب باشد  
اشکر - بنده باز بگر خانه نکند  
آقا سید یعقوب - در حال بنده عرض  
میکند ملتی که میخواهد دارای این چیزها  
باشد بایدان قوه هم که اداره کنند این  
کنفرانسه و نمایشگاهها و مسابقه ها و  
تیراندازیها است اساس خرج مرتب باشد تا  
بشوند اینها مرتب کند  
زیرا تمام این مؤسسه ها باید مرتب و در  
تحت قاعده منظمی باشند  
کثرة که نمیشود باشد آن نتایج  
خوبی که ما از این مؤسسه ها انتظار داریم  
در صورتی حاصل میشود که مرتب باشند  
آقای مخبر مطلب را خوب بیان  
کردند وقتی هم بنا شود کسیکه مدبر

مالیات مخالفم  
مخبر - آقا يك اظهاری کردند که  
بنده مجبورم چند کلمه جواب عرض کنم  
ایشان نسبت دادند که این مسئله يك  
اقدام خلاف شرع است  
باید با آقا عرض کنم که ما همه افتخار  
داریم باینکه مسلمان هستیم و همه متقدم  
هستیم باینکه هر چه میگوئیم و میکنیم موافق  
موازین شرع مقدس باشد  
اگر در این موضوع برای آقا اشتباهی  
حاصل شده است دلیل بر این نیست که اشتباه  
ایشان حقیقت دارد  
خبر - نمایشگاه خلاف شرع نیست  
اولاً ایشان باید بدانند وقتی که اسم  
نمایشگاه برده میشود نباید مرکز راه و لوسو  
هرزگی خیال کنند بلکه برعکس باید يك  
نمایشات اخلاقی تلقی کنند  
این نمایشگاهها بیشتر برای تهذیب  
اخلاق عمومی است بعلاوه آن نمایشگاههایی  
که خلاف شرع است اصلاً در ملکت اجازه  
داده نخواهد شد تا اینکه حق از آن دریافت  
شود و قوای مأمور حفظ نظامات عمومی  
از این قبیل نمایشگاهها جلوگیری خواهند  
نمود پس در این قسمت خیال میکنم  
اعتراض آقا وارد نیست  
همین ملاحظه آقایان دیگری که  
تخصیص شان در موضوع تطبیق مطالب قانونی  
با موازین شرعیه از من بیشتر است این نظر  
آقا را تکیف میکنند  
لذا در این باب بنده دیگر توضیحی  
نمیدهم زیرا اگر مخالف باشم معترض بود  
کسیون مایه اصلاً چنین اقدامی نمیکرد  
اما اینکه فرمودند نمایشگاههای  
صنعتی و ورزشی نباید حتی بدهند در اینجا  
هم يك مختصر اشتباهی برای ایشان حاصل  
شده است این را باید عرض کنم که از این راه ما  
نیخواهیم يك حق اخذ کنیم  
ما فرض میکنیم اگر يك نمایشگاههایی  
در ملکت دائر شد (فرض محال که محال  
نیست) بلیطهایی تهیه شد و مردمانی رفتند  
و جوی دریافت شد در این صورت يك حق هم  
دولت خواهد گرفت  
نه این است که حتماً از نمایشگاهها  
حق گرفته شود عرض این است اگر حقوقی  
در یافت شود بيك تناسب معنی يك سهم  
مختصری هم دولت بگیرد و هیچ مورد  
اشکال هم نیست  
(بعضی از نمایندگان مذاکرات  
کافی است)  
رئیس - ماده دوم قرائت میشود  
(مضمون ذیل قرائت شد)  
ماده ۲ - حق تمبر از روی ماخذ ذیل  
نسبت بقیمت بلیطهای ورودیه مأخوذ میشود  
تا يك تومان از هر دو نفر و کسورات آن  
یکشاهی  
علاوه از يك تومان الی سه تومان از هر  
نفران و کسورات آن یکشاهی

علاوه از سه تومان ده يك قیمت  
بلیط  
رئیس - آقای آقا سید یعقوب  
(اجازه)  
آقا سید یعقوب - موافقم  
رئیس - آقای داور  
(اجازه)  
داور - موافقم  
رئیس - معلوم میشود مخالفی ندارد  
ماده سوم قرائت میشود  
ماده ۳ - معادل حقوقیکه مطابق  
ماده ۲ مأخوذ میشود تمبر بر بلیطها الصاق  
خواهد شد  
رئیس - مخالفی ندارد  
بعضی از نمایندگان - خبر  
رئیس - ماده چهارم قرائت میشود  
(بشرح ذیل قرائت شد)  
ماده ۴ - هر گاه بر بلیطی کمتر از  
آنچه که بر طبق این قانون مینماید شده است  
تمبر الصاق شود مرتب از طریق اداری  
تغییب و پس از ثبوت تقصیر در مقابل قیمت تمبر  
مأخوذ خواهد شد  
آقا سید یعقوب - بنده يك سؤالی می  
خواهم از وزارت مایه بکنم  
رئیس - بفرمائید  
آقا سید یعقوب - در این نمایشگاهها  
که بلیط تمبر را میفروشند  
مأمور دولت حاضر است و او تمبر را  
بآن بلیطها می چسباند چون در اینجا قید  
شده (در صورتیکه تمبر شود) ولی نمیرساند  
که تمبر از مأمور دولت ناشی میشود یا از  
کسی دیگر  
میخواستم عرض کنم که محل فروش  
بلیط تمبر را در این ماده مینماید کرده که  
در همان نمایشگاهها باید الصاق تمبر شود یا  
در اداره مستخانه و اینکه تمبر در کجا  
میشود درست فرستاد تا مطالب معلوم شود  
است توضیح فرمائید تا مطالب معلوم شود  
مخبر - پس از تصویب مواد این قانون  
محتاج بنظمانامه خواهد بود در آنجا همین  
خواهد شد  
چون پیش بینی این قبیل چیزها در خود  
قانون خوب نبود و در صورتیکه ذکر میشد  
خیلی مفصل میشد لذا در نظامنامه که نوشته  
خواهد شد این قسمت هم تأمین میشود  
رئیس - دیگر مخالفی ندارد  
یک نفر از نمایندگان - خبر  
رئیس - ماده پنجم قرائت میشود  
(باین نهج خوانده شد)  
ماده ۵ - پس از کسر مخارج وصول  
نصف عایدات حق تمبر که بموجب این قانون  
مأخوذ میگردد ببلدیه محل تخصیص و نصف  
دیگر در حساب عوائد ملکتی خواهد شد  
رئیس - آقای کازرونی  
(اجازه)  
کازرونی - اگر ببلدیه های ولایات

را ببلدیه مرکز قیاس کنیم البته هوائه  
این وجود باید ببلدیه ها برسد ولی چون  
بلدیه های محل مخارج خودشان را مطابق  
بوده که تمدون میکنند منظور خواهند  
کرد پس از روی ندارد که این هوائه با آنها  
داده شود و همینطور از روی هم ندارد که  
در جزو بودجه کل ملکت منظور شود  
بهر این است که این عوائد معارف  
ولایات و نقاط مختلفه ملکت اختصاص داده  
شود تا بلکه از این راه يك خدمت  
کوچکی بمعارف ایالات ولایات کرده  
باشیم  
این عقیده بنده است  
رئیس - آقای حاج هزالمالک  
(اجازه)  
حاج هزالمالک - این ماده که  
کسیون پیشنهاد کرده حد معتدل را در  
نظر گرفته است  
در کمیسیون که مطرح شد بعضی از  
آقایان عقیده داشتند تنها ببلدیه های محل  
تخصیص داده شود و بعضی دیگر را عقیده  
این بود که در جزو بودجه ملکتی منظور  
شود  
ولی از آنجائی که ما در بعضی جاها  
بلدیه نداریم و وزارت مایه هم در جای  
این قانون دست دارد و بعلاوه مخارج و حوائج  
ملکت هم اجازه نمیدهد که تمام عوائد آن  
ببلدیه ها گذار شود لذا کسیون اینطور  
در نظر گرفت که قسمتی را ببلدیه تخصیص  
دهند و قسمت دیگر را برای رفع احتیاجات  
ملکت جزو حساب مایه بیاورند ولی در  
آیه اگر احتیاجات ملکتی رفع شد و در  
تمام نقاط بلدیه دائر شد آنوقت ممکن  
است تمام عوائد آن را ببلدیه تخصیص داد  
معارف هم که آقا فرمودند خودش يك  
بوده مخصوص دارد که جزو بودجه ملکتی  
است و نمیشود این وجود را علیحده بمعارف  
اختصاص داد  
حالا اگر عقیده دارند که بودجه معارف  
کم است ممکن است در جزو بودجه  
ملکتی هر قدر دل شان میخواهد پیشنهاد  
کنند ولی در این قانون ما نمیتوانیم اجازه  
بدهیم که جزو معارف باشد  
چمی از نمایندگان - مذاکرات کافی  
است  
رئیس - پیشنهاداتی رسیده قرائت  
میشود  
(پیشنهاد آقایان میرزا جوادخان  
خوئی و صدق السلک و قائم مقام  
بشریح ذیل قرائت شد)  
بنده پیشنهاد میکنم چون عایدات  
حاصله از تمبر بلیطهای نمایشگاه و غیره  
راجع ببلدیه است کلیه عایدات حاصله از  
این طریق عائد ببلدیه ها بشود  
جواد خوئی - قائم مقام تبریز - صدق  
السلطنه  
رئیس - ارجاع میشود بکسیون

(خطاب آقای رئیس التجار) چیزی که پیشنهاد  
کرده اید ماده الحاقیه است ؟  
رئیس التجار - بلی  
رئیس - قرائت میشود  
(بشرح ذیل خوانده شد)  
بنده پیشنهاد میکنم که وصول عایدات  
به يك اداره فعلی وزارت مایه ارجاع شود  
و برای این عایدی که بمقیده بنده خیلی جزئی  
خواهد بود مخارج زیاده بر اصل ترتیب  
داده شود  
وزیر مایه - توضیحاً عرض میکنم که  
برای این مسئله هیچ اداره مخصوصی لازم  
نخواهد بود و در صورتی که تصویب  
شود توسط مأمورین مایه دریافت خواهد  
شد  
رئیس - شور اول تمام شد - شور دوم  
روزیگشته یا زدهم خواهد بود حالا بالفعل  
چند دقیقه تنفس است  
رئیس - شور اول تمام شد  
شور دوم روز یکشنبه یا زدهم خواهد  
بود  
حالا بالفعل چند دقیقه تنفس است  
(در این موقع جلسه برای تنفس  
تشکیل گردید)  
رئیس - لایحه که شور اول تمام شد  
راجع به بلیطهای نمایشگاهها باید رای  
گرفته شود که شور ثانی در آن بشود  
یا نه ؟  
آقایانی که شور ثانی را تصویب میکنند  
قیام فرمایند  
(جمع کثیری قیام نمودند)  
رئیس - تصویب شد  
لایحه صدور پوست بر مطرح است  
سردار معظم مخبر - بنده تقاضا  
میکند این لایحه امروز از دستور خارج شود  
برای اینکه با آقای وزیر مایه یک مذاکره  
شده و قرار شد در این باب در ظرف همین  
دو روزه يك مطالعاتی بشود و ایشان نظر  
قطعی خودشان را پیشنهاد کنند  
لذا بنده راپرت را مسترد می دارم  
رئیس - خروج از دستور مخالفی  
دارد ؟  
آقا سید یعقوب - بنده مخالفم  
رئیس - بفرمائید  
آقا سید یعقوب - همانطوری که آقایان  
نمایندگان مستعرضند و مقام ریاست  
هم آرزو اظهار کردند که در واقع  
بیان ایشان بیان غالب نمایندگان است این  
لایحه از نقطه نظر اقتصاد خیلی اهمیت دارد  
و تویش رت از امروز بفرما از فردا به  
پس فردا بنده هیچ صلاح نمیدانم زیرا اقرب  
سید چهار صد هزار تومان مال التجار  
تیرانی خرابی فاسد خواهد شد ما نمایندگان  
برای وضع قانون اینجا آمده ایم و باید در  
وضع قانون کامل مسئله اقتصاد و رفح مردم  
را در نظر بگیریم نه اینکه خدای نکرده

قانونی وضع کنیم که خانه اهالی را خراب  
کنیم  
وضع قانون باید راجع به منافع عمومی  
باشد در این موضوع داد و فریاد تجار از  
اطراف بلند است  
صادرات ما محدود است و با این مال  
هر صادری هم که ما داریم يك سد بزرگی  
جاوش میکنیم  
ترياك قالی هر کدام را يك سدی  
برایش درست میکنیم  
بقدری سخت گیری کرده و گمرك  
برای صادرات وضع میکنم که فردا  
صادرات مایه صفر خواهد رسید آنوقت  
همه گداشته بجان یکدیگر می افتیم  
ما باید مردم را بصادرات تشویق  
کنیم تا پول در ملکت زیاد شده تا این  
جهت از عالی جنابی آقای سردار معظم  
تقاضا میکنم که این لایحه را مسترد کنند  
و همان لایحه دولت را قبول کنند تا آقایان  
هم بایک شوق و انرژی آن را رای بدهند  
تا دوست سید هزرتو تومان به ملت فایده  
برسد  
بنده تقاضا میکنم التماس میکنم  
اگر بخواهید گریه هم میکنم که همان  
لایحه دولت را مطرح کنید تا يك خدمت  
اقتصادی اقلا در این دوره پنجم بر دم  
کرده باشیم  
ما باید همیشه خدارا حاضر و ناظر  
بدانیم و حقوق ملت و مملکت و عوکلین  
خودمان را در نظر داشته باشیم و حفظ  
کنیم  
مخبر - بنده نمیدانم چرا در مطلبی  
که پیش می آید ما همیشه داخل مباحثه  
میشویم  
حقوق اجتماعی و فقر عمومی و ترقی  
اقتصادی و بالاخره يك سلسله کمالاتی را  
ردیف می کنیم و بعد در تحت تأثیر این  
اظهارات میخواهیم مقصودی را که داریم جلو  
بندازیم  
بنده گرچه بان اهمیتی که آقایان  
مسئله دادند اینقدرها قائل نیستم ولی منکر  
اهمیت قضیه هم نشدم و از همان نقطه نظر  
بوده که ما دچار يك محظوراتی هستیم  
زیرا بالاخره هر روز نمیشود قوانین  
ملکتی را مثل قالی زیر پا انداخت و لگد  
کوب کرد که علی یاقی میخواهد استفاده  
کند برای اینکه مسئله مهم بود و لازم بود  
در اطرافش مذاکره شود بنده با آقای  
وزیر مایه مذاکره کردم و قرار شد در  
غرف این دوروز یا مستشاران تبادل نظر  
کنند آن وقت اگر دیدند این قانون  
بی مورد است پیشنهاد کنند اساساً این قانون  
لغو شود که تمام افراد ملکت استفاده  
کنند نه اینکه تنها فلان تاجر پوست خر  
استفاده کند